

گذار سیاسی و امکان سنجی حکمرانی خوب در تونس پس از انقلابی

علیرضا سمیعی اصفهانی^۱
ایمان شریف یلمه^۲

چکیده

در اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی، موجی از اعتراضات و خیزش‌های مردمی، کشور تونس را در بر گرفت و پس از سرنگونی رژیم اقتدار گرای بن علی، این کشور به طایفه دار انقلاب‌های عربی مشهور گشت. اکنون پس از گذشت ۶ سال از شورش‌های عربی، به نظر می‌رسد تونس به بهترین و احتمالاً تنها امید کامل کردن فرایند گذار از اقتدار گرایی به شکل مردم‌سالارانه‌ای از حکومت تبدیل شده باشد؛ بنابراین پرسش نوشتار حاضر این است که نوع و شیوه گذار سیاسی کشور تونس تا چه حد امکان شکل‌گیری الگوی حکمرانی خوب را در این کشور فراهم آورده و چه تاثیری بر پایداری این الگو در این کشور خواهد داشت؟ جهت پاسخگویی به این پرسش، تلاش می‌گردد ضمن تلفیق مبانی نظری گذارهای دموکراتیک با حکمرانی خوب و استخراج مدل تحلیلی منتج از این مبانی نظری؛ به تبیین ریشه‌ها، روندها و به‌ویژه پیامدهای سیاسی این موضوع پرداخته شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کشور تونس در مقایسه با سایر کشورهای درگیر انقلاب‌های عربی، به علت برخورداری از طبقه متوسط پویا و بادوام، جامعه مدنی نسبت قوام‌یافته و متکثر، ارتش کوچک و حرفه‌ای، تجانس قومی و مذهبی، انسجام و همبستگی جناح‌های مختلف، تعهد یکسان رهبران سکولار و اسلام‌گرا به فرایند گذار و توسعه پایدار و همچنین رویکرد و نگرش مساعد و مثبت غرب نسبت به این انقلاب، توانسته است گذار موفق‌تری را به سوی دموکراسی تجربه کند و از این‌رو راه همواری را در زمینه شکل‌گیری و پایداری حکمرانی خوب پیش رو دارد، اگرچه تحقق کامل این امر نیاز به گذشت زمان دارد.

واژگان کلیدی: رژیم‌های اقتدارگرا، انقلاب‌های عربی، گذار سیاسی، حکمرانی خوب، تونس پس از انقلابی.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، نویسنده مسئول: asamiei@yu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، sharifylmh@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۶

Political Transition and Feasibility of Good Governance in Post-Revolutionary Tunisia

¹
Alireza Samiee Esfahani

Associate Professor of Political Science,
Yasouj University, Iran

Iman Sharif Yalme

M. A. Student of Political Science, Yasouj
University, Iran

Abstract

In the late 2010, Tunisian revolutionaries toppled the authoritarian regime of Ben Ali. Tunisian rebels inspired a few other nations to rise against dictators. Among all countries involved in the Arab revolutions, only Tunisia seems to be completing democratic transition. The main question of this article is how political transition in Tunisia affects the formation and stability of good governance in this country. To answer this question, theoretical foundations of good governance are combined with analytical model of democratic transitions. The results showed that a dynamic and stable middle class civil society, a small professional army, ethnic and religious homogeneity, and secular and Islamist leaders' commitment to democratic transition process will pave the way for the formation of good governance in long-term.

Keywords: Arab revolution, Political transition, Good governance, Post-revolution Tunisia.

۱- مقدمه

جوامع عربی خاورمیانه و شمال آفریقا پس از دهه‌ها حاکمیت نظام استبدادی به منظور احقاق حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و همچنین استقرار حکومت قانون، علیه ساختار نظام سیاسی حاکم دست به قیام زدند. موج اعتراضات دموکراسی‌خواهانه که از سال ۲۰۱۰ م از تونس آغاز شد، به فروپاشی رژیم‌های سیاسی در بسیاری از این کشورها از جمله کشور تونس منجر شد. اعتراضات مردمی در کشور تونس سبب نقش‌آفرینی نیروهایی شد که در طول دهه‌های گذشته یا سرکوب شده و یا نادیده گرفته می‌شدند. پس از فروپاشی رژیم‌های اقتدارگرا در کشور تونس، روند اصلاحات اساسی آغاز گردید که در این میان، چگونگی شکل دادن به نهادهای دموکراتیک، نحوه مدیریت پروسه انتقال قدرت سیاسی و تثبیت نهادهای دموکراتیک از وظایف اصلی نخبگان سیاسی این کشورها به شمار می‌آید.

¹ . Corresponding Author: asamiei@yu.ac.ir

در میان گزینه‌های پیش‌رو، یکی از راهکارهای مناسب و جایگزین رژیم اقتدارگرا در این کشور، جهت تثبیت گذار دموکراتیک و توسعه پایدار، فراهم کردن زمینه‌های تحقق الگوی حکمرانی خوب^۱ است. الگوی حکمرانی خوب نزدیک به دو دهه است که توسط بانک جهانی و همچنین برنامه توسعه سازمان ملل به شکل جدی در دستور کار قرار گرفته و به مثابه یک دانش‌واژه در حوزه سیاست و مدیریت جوامع، صورت‌بندی گردیده است. این مفهوم به‌ویژه برای ارزیابی سیاست‌ها و دستاوردهای کشورهای در حال توسعه و گذار به سوی اصلاحات سیاسی و اقتصادی به کار گرفته شده و طی این دو دهه به عنوان اثربخش‌ترین و مؤثرترین شیوه اعمال حکومت‌داری مطرح شده است. محوریت این رویکرد بر مبنای توسعه مردم‌سالار و برابر خواهانه جهت تأثیرگذاری تمامی نیروهای ذی‌نفوذ در اداره امور مملکت و همچنین پاسخگویی به تمام نیازهای این گروه‌ها است.

حال این پرسش پیش می‌آید که فرآیند (نوع و شیوه) گذار سیاسی در کشور تونس تا چه حد امکان شکل‌گیری الگوی حکمرانی خوب را در این کشور فراهم آورده است؟ فرضیه مورد آزمون پژوهش این است که فرایند گذار سیاسی و روند تحولات پساانقلابی کشور تونس در مقایسه با سایر کشورهای عربی، نشان‌دهنده تجارب متفاوتی است. به عبارت دقیق‌تر، تونس به علت برخورداری از طبقه متوسط پویا و بادوام، جامعه مدنی قوام‌یافته و متکثر، تجانس قومی و مذهبی، ارتش کوچک، تجانس و همبستگی بین گروه‌ها، تعهد یکسان اسلام‌گرایان و سکولارها به فرایند گذار و همچنین رویکرد و نگرش نسبت مساعد و مثبت قدرت‌های خارجی نسبت به این انقلاب، راه همواری را در زمینه گذار سیاسی و شکل‌گیری حکمرانی خوب دارد.

پژوهش حاضر کیفی، از نوع تبیین علی و روش اجرای آن کتابخانه‌ای-اسنادی است، داده‌ها از طریق مطالعه کتب، مقالات و منابع اینترنتی گردآوری شده، سپس فرضیه پژوهش بر اساس این داده‌ها و همچنین داده‌های ثانوی، به آزمون گذاشته شده و در نهایت پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، استنتاج کلی به عمل آمده است.

۲- ادبیات پژوهش

پیش از ورود به بحث اصلی لازم است با مروری بر آثار منتشر شده در زمینه موضوع پژوهش حاضر، وجوه تمایز و تفاوت مقاله حاضر با این نوشته‌ها را مشخص کنیم؛ لذا در زیر ابتدا به برخی از مهم‌ترین

مقالات و کتاب‌هایی که در چند سال اخیر در خصوص تحولات تونس به نگارش درآمده است، اشاره می‌گردد:

ورونیکا بیکر (۲۰۱۵) در مقاله خود با عنوان «نقش جامعه مدنی در گذار دموکراتیک در تونس»، تأثیر مشارکت جامعه مدنی در گذار تونس را مورد بررسی قرار می‌دهد. به اعتقاد نویسنده، تونس به علت وجود جامعه مدنی قوی و مشارکتی که پیش از انقلاب در زمان حکومت اقتدارگرای بن علی شکل گرفته بود و پس از انقلاب به بلوغ رسید، گذار موفقیت‌آمیزی را تجربه کرد. این مقاله به‌ویژه بر بحث‌های حقوق زنان در قانون اساسی به‌عنوان نمونه‌ای از تعامل دولت-جامعه طی دوره گذار تمرکز دارد.

نیکول راسل (۲۰۱۵ م)، در کتابی با نام «تونس: بنیادهای سازش دموکراتیک» این پرسش را مطرح می‌کند که چرا سیاست، امنیت و اقتصاد که برای دهه‌ها قبل از سال ۲۰۱۱ باثبات بود به ناگهان دچار تغییر شد؟ او در پاسخ، رابطه تنش‌آمیز میان امنیت و اصلاحات سیاسی را نکته‌ای کلیدی به شمار می‌آورد و استدلال می‌کند که بدون توسعه پایدار و همه‌جانبه نهادهای حکومتی که معطوف به ایجاد شغل و امنیت باشد، کشورهای منطقه خاورمیانه در آینده نیز ممکن است با اعتراضات، تروریسم و انقلاب‌های فراگیری مواجه خواهند شد.

استفان پوسل (۲۰۱۶ م) در مقاله «چرخش دموکراتیک در تونس: بازتعریف سیاسی و مدنی معیارهای تنوع فرهنگی»؛ این مسئله را بررسی می‌کند که چگونه واژه «تنوع فرهنگی» در میان فعالان سیاسی و دولت تونس به گفتمان هژمونیک تبدیل گردیده است. بر این اساس سیاسی‌شدن موضوع تنوع و شمولیت آن در روایت‌های جدید ملت پس از سال ۲۰۱۱ م بررسی می‌کند و بر جنبه‌های سه‌گانه تنوع فرهنگی جدید یعنی؛ مطالبه برای شناسایی فرهنگ و زبان آمازیق^۱، مقابله با تبعیض نژادی علیه جمعیت سیاهان و افریقاگرایی احیاءشده تمرکز می‌کند.

دانکن پیکارد (۲۰۱۱ م) در مقاله‌ای تحت عنوان «چالش‌های حکمرانی مشروع در تونس پس‌انقلابی»، چالش‌های پیش روی مجلس مؤسسان ملی تونس پس از انقلاب را مورد بررسی قرار داده و معتقد است نخستین چالش پیش روی این مجمع، ایجاد مشروعیت برای خود و حکومت انتقالی منصوب‌شده از سوی این مجلس خواهد بود. نویسنده نقش، ساختار و مسئولیت‌های مجلس مؤسسان را در بستر سیاست

۱. آمازیق یا بربرها، گروه قومی بومی شمال آفریقا که جمعیت آنها از اقیانوس اطلس تا سیوا اوآسیس در مصر و از دریای مدیترانه تا رود نیجر پراکنده است.

پساانقلابی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. افزون بر این، چالش‌های کلیدی ناشی از انتظارات فزاینده مردم تونس و همچنین سایر کشورها که می‌تواند مشروعیت مجلس مؤسسان تونس را تحت تأثیر قرار دهد را مورد تأمل قرار می‌دهد.

دانکن پیکارد (۲۰۱۴ م) در مقاله دیگری با نام «چشم‌اندازهای تحقق دموکراسی در تونس»، می‌نویسد؛ تونس قانون اساسی پیشرو و دموکراتیکی را پذیرفته است. این قانون اساسی منشأ نظام سیاسی جدیدی با بازیگران بسیاری است که از حق و تو برخوردارند، از این رو اجماع سست و نیم‌بندی بین آنها برقرار است؛ بنابراین، برندگان و بازندگان انتخابات آینده تونس باید خود را به موفقیت فرایند سیاسی متعهد سازند و حکومت جدید و پارلمان نیز باید هرچه سریع‌تر به چالش‌های اساسی سیاست‌گذاری یعنی توسعه اقتصادی و امنیت داخلی بپردازند.

کافمن (۲۰۱۱ م) هم در پژوهشی با عنوان «حکومت و گذار در جهان عرب» به بررسی گذارهای سیاسی در جهان عرب در سال ۲۰۱۱ م پرداخته و نتیجه گرفته که کشورهای مصر و تونس هر دو با تجربه تغییر ناگهانی رژیم روبرو بوده و تا حد زیادی از درگیری‌های داخلی طولانی‌مدت به دور بودند. تغییر رژیم و رد نظم سیاسی استبداد قدیمی به تنهایی ضامن اصلی بهبود حکمرانی خوب در آینده نزدیک نخواهد بود.

حسن مجیدی و محسن رحیمی‌نیا (۲۰۱۵ م) در مقاله‌ای با عنوان بررسی فرایند گذار به دموکراسی در تونس؛ تلاش می‌کنند به این پرسش اساسی پاسخ دهند که زمینه‌ها و عوامل فروپاشی رژیم غیردموکراتیک و گذار تونس به دموکراسی حداقلی چیست؟ مفروض این نویسندگان این است که با نظریه‌های گذار به دموکراسی می‌توان تحولات سال‌های اخیر تونس را تشریح کرد. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد تونس با فروپاشی نظام غیر دموکراتیک و استقرار دموکراسی حداقلی توانسته است به سمت تثبیت، قدم بردارد و همراهی ارزش‌های اسلامی و دموکراتیک در قانون اساسی جدید تونس راه بازگشت اقتدارگرایی از نوع سکولار یا مدعی دین را مسدود کرده است. تصویب قانون اساسی دموکراتیک، انتخاب اعضای پارلمان و ریاست جمهوری بر مبنای این قانون، نفی دخالت نظامیان در سیاست و برابری حقوق زن و مرد از جمله نشانه‌های توفیق نسبی تونس در گذار به دموکراسی حداقلی است.

سید عبدالامیر نبوی و رضا بژکول (۲۰۱۵ م) در مقاله «دستاوردها و چالش‌های پیش روی انقلاب یاس تونس» معتقدند که دولت ائتلافی تونس توانست در مدت کوتاهی دستاوردهایی هرچند اندک در این کشور در حال گذار به دست آورد. تونس به‌عنوان اولین کشور عربی توانست با وحدت و عقلانیت رهبران گروه‌های سیاسی تنش داخلی را با تساهل و تسامح رفع کند و از اختلاف و درگیری بین

نیروهای سلفی و احزاب چپ این کشور جلوگیری نمایند. در این حال این کشور با چالش‌هایی در آینده روبه‌رو است که می‌تواند باعث تفرقه و درگیری‌های داخلی شود. حضور سلفی‌ها در داخل و افراطیون در کنار مرزها و انتخابات پیش رو، همه نشانه‌هایی است که چالش در آینده را می‌توان پیش‌بینی کرد. از طرف دیگر، اقتصاد نوپای این کشور که در گذشته آسیب‌های زیادی را متحمل شده، می‌تواند باعث شکاف بین دولت و ملت گردد و این خطر بزرگی است که چالش‌های موجود را بیشتر خواهد کرد.

حسن احمدیان (۲۰۱۰ م) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحولات اخیر تونس و پیامدهای منطقه‌ای آن»؛ به بررسی تحولات کشور تونس پرداخته و نتیجه گرفته است که جنبش مردمی تونس توانست ضمن کنار زدن یک حکومت دیکتاتوری الگویی نو از مشارکت مردمی را نمایان سازد که آغازگر تحرکاتی گسترده در سرتاسر منطقه باشد؛ که علاوه بر دگرگونی داخلی پیامدهای منطقه‌ای گسترده‌ای را خواهد داشت و تونس‌ها الگویی بسیار مناسب برای مردم منطقه هستند. همچنین صفا و میرزایی در پژوهشی تحت‌عنوان «نقش زنان در تحولات خاورمیانه: مطالعه موردی تونس و مصر» به بررسی نقش زنان در تحولات پرداخته و نتیجه گرفته در این دو کشور بدون مشارکت نیمی از شهروندان نتایج مطلوب حاصل نخواهد شد. اینکه چگونه حقوق زنان با تقاضاهای جامعه برای تغییرات وسیع‌تر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیوند بخورد، نمایان‌گر آینده تحولات سیاسی در منطقه خواهد بود.

مروری اجمالی بر این آثار نشان می‌دهد که نویسندگان فوق عمدتاً به ریشه‌های این انقلاب‌ها، آرایش نیروهای سیاسی و یا بر روی موضوع خاصی مانند نهادهای جامعه مدنی، قانون اساسی و یا حقوق زنان تأکید کرده‌اند و به موضوع گذار سیاسی در پیوند با مسئله توسعه و چشم‌انداز حکمرانی خوب توجه چندانی نکرده‌اند. از این رو، نوآوری و تفاوت اساسی این پژوهش با پژوهش‌های قبلی در این است که می‌کوشد تأثیر نوع و شیوه گذار سیاسی تونس را بر تحولات پساانقلابی و به‌ویژه بر وضعیت حکمرانی خوب در این کشور مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. از منظر این پژوهش شکل‌گیری گذار توافقی در مرحله دوم گذار سیاسی در تونس، فرصت و امکان بیشتری را برای تحکیم دموکراسی و حکمرانی خوب در اختیار نهادهای جامعه مدنی، نخبگان و گروه‌های سیاسی این کشور قرار داده است.

۳- تمهیدات نظری و مفهومی پژوهش

مبانی نظری نوشتار حاضر بر دو پایه استوار است: به عبارت دقیق‌تر، جهت تبیین موضوع تلاش گردیده است از دو مبحث نظری پارادایم گذار سیاسی و عوامل مؤثر بر آن و همچنین نظریه و الگوی حکمرانی خوب و شاخص‌های مربوط به آن بهره گرفته شود: از منظر این پژوهش، نخستین و مهم‌ترین مؤلفه نظری جهت تبیین گذار سیاسی کشورهای عربی از جمله تونس پس از تحولات ۲۰۱۱ م، مبحث گذار سیاسی است. امروزه مباحث نظری گذار به دموکراسی

و زمینه‌های اجتماعی آن مهم‌ترین مباحث جامعه‌شناسی سیاسی به شمار می‌رود و حتی می‌توان گفت که با توجه به اهمیت این موضوع، جامعه‌شناسی سیاسی چیزی جز جامعه‌شناسی زمینه‌های گذار به دموکراسی نیست (Bashiriyeh, 2005, p. 5).

از میان رویکردهای نظری مختلفی که به این مبحث پرداخته‌اند، می‌توان به پژوهش جامع و سودمندی که توسط اودانل و فیلیپ سی. اشمیترا^۱ و وایتهد^۲ تحت عنوان گذار از «حکومت اقتدارگرا: چشم‌اندازهایی برای دموکراسی» اشاره کرد. گذارهای مختلف به دموکراسی انجام گرفته، اشاره کرد که طیف گسترده‌ای از کارشناسان کشورها و مناطق مختلف و صاحب‌نظران فعال در این حوزه مطالعاتی با ارائه بیش از بیست مقاله در آن شرکت نمودند (O'Donnell et al., 1986, p. 38). این نظریه پردازان، نتایج پژوهش‌های خود با توجه به تجارب تاریخی و مطالعات صورت گرفته در خصوص گذار را در سه نوع گذار از رژیم‌های نظامی یا حزبی به دموکراسی را مطرح نمودند:

۱. گذار توافقی یا قراردادی؛^۲ در شرایطی که ارتش در موقعیت سیاسی کاملاً برابر با مخالفان غیرنظامی خود قرار دارد.

۲. گذار تحمیلی یا دیکته شده؛^۳ از سوی ارتش که به لحاظ سیاسی در موضع قدرت قرار دارد.

۳. گذار تفویضی؛^۴ یا گذار در شرایطی دانست که ارتش به لحاظ موقعیت سیاسی ضعیف و بالاجبار از قدرت کناره‌گیری کرده و آن را به مخالفان غیرنظامی خود تفویض می‌نماید (Brooker, 2004, p.303).

در گذارهای توافقی، توافق نظامیان برای آزادسازی قدرت بر انعقاد هرگونه پیمانی بین احزاب سیاسی یا نیروهای اجتماعی در طول دوره گذار از رژیم نظامی به دموکراسی، اولویت دارد. این پیمان به تمایل افسران نظامی در سلب مسئولیت مستقیم فرمانروایی از خود برمی‌گردد که شامل آگاهی فزاینده نظامیان نسبت به این امر است که رژیم به‌زودی در آینده نزدیک باید درصدد کسب درجات یا اشکالی از مشروعیت انتخاباتی باشد. جنبه آزادسازی قدرت توسط نظامیان ناشی از تعهدات و ضمانت‌های متقابلی است که با غیرنظامیان مبادله می‌گردد. در قرارداد رهاسازی قدرت، رهبران ارتش به نمایندگان غیرنظامیان تضمین می‌دهند که حقوق فردی لیبرالیستی اعاده خواهد شد و فرصتی برای غیرنظامیان فراهم خواهد آمد

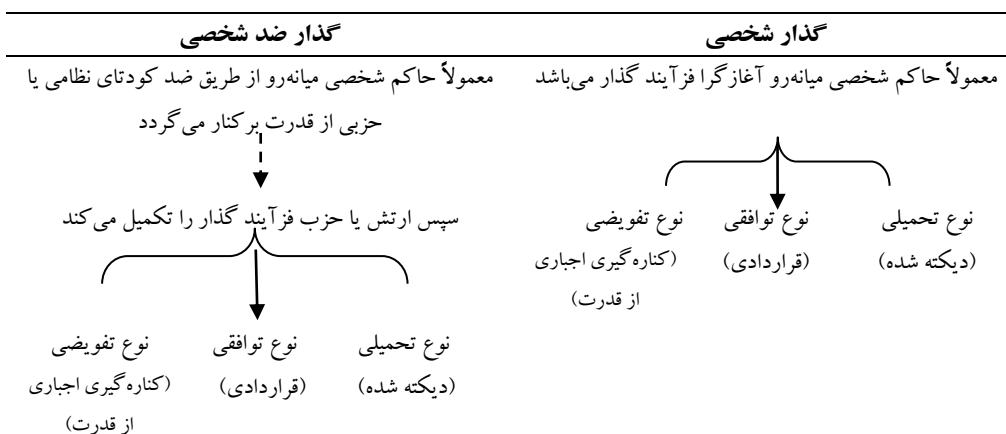
1. O'Donnell and Philippe C. Schmitter

2 Pacted Transition

3. Dictated Transition

4. Abdicated Transition

تا سیاست‌های رژیم نظامی را مورد چالش قرار دهند. در عوض غیرنظامیان متعهد می‌شوند که اولاً درصدد مجازات افسرانی که مرتکب تندروی‌های سرکوبگرانه شده‌اند، برنمایند و ثانیاً بی‌درنگ خواهان برقراری دموکراسی نباشند. در مقابل در گذارهای تحمیلی که در آن ارتش نسبت به اپوزیسیون در موقعیت سیاسی برتری قرار دارد و به دنبال کسب میزانی از مشروعیت انتخاباتی است، اقدام به آزادسازی فضای سیاسی محدود می‌نماید. و در نهایت در گذارهای تفویضی، ارتش یا حزب حاکم نسبت به جریان‌های اپوزیسیون فعال و قدرتمند در موقعیت سیاسی ضعیفی قرار دارد و واگذاری قدرت از طریق دموکراتیزاسیون به صورت فوری و کامل انجام می‌پذیرد (Brooker, 2004, p.306). بر پایه مطالب فوق در شکل یک انواع سه‌گانه اشکال گذار به دموکراسی ترسیم شده است:



نمودار (۱): اشکال گذار به دموکراسی
(Brooker, 2004, p.315)

دومین مؤلفه نظری این پژوهش مبحث حکمرانی خوب است. حکمرانی خوب مفهومی است مشتمل بر معیارها و استانداردها، رویه‌ها و اصول حکومت‌داری که دولت‌ها از طریق آن امور عمومی را به انجام می‌رسانند، منابع عمومی را اداره می‌کنند و حقوق بشر را تضمین می‌نمایند. حکمرانی خوب نسبت نزدیکی با مردم‌سالاری و فرایندهای دمکراتیک دارد و به سخن بهتر، مجموعه‌ای از معیارها و شاخصه‌های کاربردی نظام‌های سیاسی دمکراتیک در ابعاد فرآیندی، ساختاری و ماهوی است (2005, p. 68). از میان تحقیقات انجام‌شده در زمینه حکمرانی خوب، تحقیقات بانک جهانی از جایگاه قابل توجهی برخوردار است. بانک جهانی، حکمرانی را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع

اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار معرفی می‌کند (World bank, 2006). بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص زیر تعریف می‌کند:

حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی: به این مفهوم که مردم بتوانند دولت را در برابر اقداماتی که بر مردم تأثیر می‌گذارد، مورد سؤال و بازخواست قرار دهد.

ثبات سیاسی و عدم خشونت: این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت و سیاست‌های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران و دولت‌مردان فعلی می‌پردازد.

اثربخشی و کارایی دولت: کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله شده؛ که شامل مقوله‌های همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی است.

کیفیت مقررات: که ناظر بر مناسب بودن، تأثیرگذاری مثبت و تسهیل‌گری قوانین و مقررات در عرصه خدمات دولتی و عملکرد اقتصادی است.

حاکمیت قانون: میزان احترام عملی که دولتمردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده‌اند.

کنترل فساد: جلوگیری برای استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی (World bank, 2006).

در مفهوم‌پردازی بانک جهانی از حکمرانی خوب، هراندازه از ویژگی‌های مثبتی نظیر حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر و فساد، مقررات اضافی و بی‌ثباتی سیاسی کمتر باشد حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه مناسب‌تر است. حکمرانی خوب تاملی‌ست، بین سه مؤلفه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی که نقش اساسی در توسعه پایدار انسانی ایفاء می‌کند و هدف اصلی حکمرانی خوب افزایش بالاترین میزان کنش متقابل این سه مؤلفه بوده در جهت به حداقل رساندن نقاط ضعف و به حداکثر رساندن نقاط قوت و هرچه که وابستگی، همبستگی و تعادل بین این سه بخش بیشتر باشد مسیر حرکت به توسعه اقتصادی و اجتماعی هموارتر خواهد شد و برای جامعه مفیدتر بوده و به حکمرانی خوب نزدیک‌تر شده است (World bank, 2006).

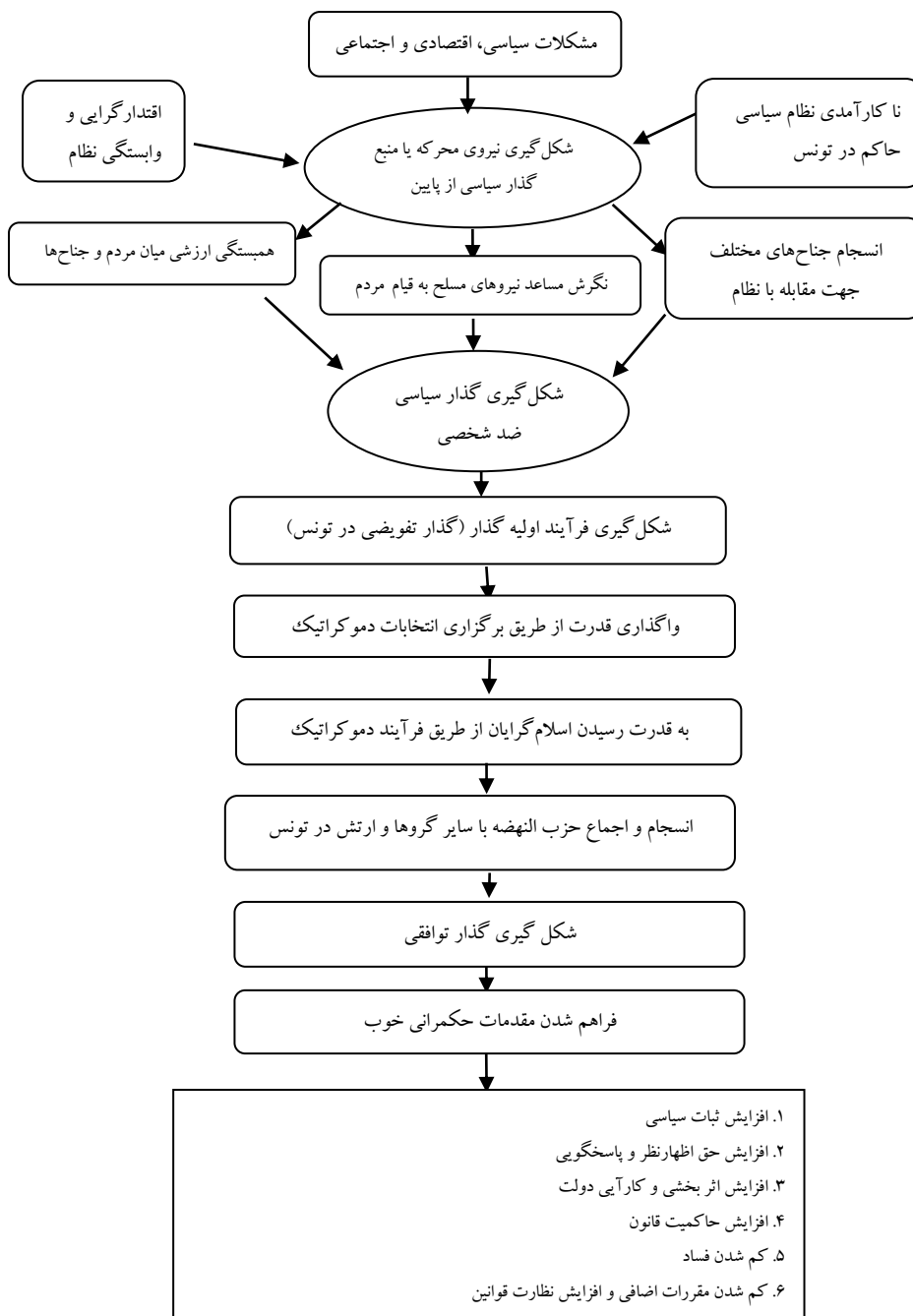
در ادامه بحث، با تلفیق نظریات مربوط گذار سیاسی و حکمرانی خوب تلاش خواهیم کرد چشم‌انداز حکمرانی خوب را در فرایند گذار سیاسی کشور تونس بررسی نمایم.

۴- تحولات انقلابی و فرایند نخست‌گذار سیاسی در تونس (گذار ضدشخصی از نوع تفویضی)
 بر پایه مباحث نظری فوق فرایند گذار سیاسی تونس را در دو مرحله یعنی نخست، گذار ضد شخصی از نوع تفویضی و سپس در مرحله دوم انقلاب از نوع توافقی آن مورد بررسی قرار خواهیم داد.
 تونس، کوچک‌ترین کشور شمال آفریقا است. از زمان استقلالش در سال ۱۹۵۶ تا اعتراضات اخیر، تنها دو رئیس‌جمهور را دیده بود؛ نخست، حیب بورقبیه و دیگری بن‌علی که در سال ۱۹۸۷ در کودتایی بدون خونریزی قدرت را از چنگ حیب بورقبیه درآورد. بن‌علی به مدت ۲۳ سال در کشور تونس حکومت نمود و به‌طور کلی تا زمان اعتراضات، بن‌علی حاکم اقتدارگرای تونس بود. وقایع تونس یک روز پس از خودسوزی محمد بوعزیزی در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد و در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ منجر به سقوط بن‌علی گردید. خودسوزی بوعزیزی در یکی از خیابان‌های تونس به نشانه اعتراض به سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دولت، سوژه نخست بسیار از رسانه‌های مهم جهان و سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی و مایه شورش گسترده در آن کشور شد و فرار بن‌علی و سرنگونی دیکتاتوری ۲۳ ساله او را به دنبال آورد (Kia & Mahmoudi, 2011, p.13). درمورد شکل‌گیری این تحولات در تونس می‌توان به عواملی سیاسی چون (استبداد و تحقیر و سرکوب ملت با مشت آهنین)، فرهنگی (بی‌توجهی به شهروندان و مخالفت سریع و آشکار با اسلام و مسلمانان و زیرپا گذاشتن کرامت و عزت انسانی)، اقتصادی (توزیع ثروت اجتماعی بر اساس وفاداری‌های فردی و حکومتی و فساد گسترده دولتی) و اجتماعی (فقر و بیکاری) اشاره نمود (Jahangir & Esmaeeli, 2013, p.35). مجموعه این عوامل باعث شکل‌گیری مرحله نخست گذار سیاسی در کشور تونس گردید که در زیر به‌طور اجمالی هرکدام از این عوامل بررسی می‌گردد:

۴-۱- استبداد (دیکتاتوری حزبی)

بلیدس^۱، در پژوهشی که پیرامون نظام حزبی در جوامع خاورمیانه انجام داده است، رژیم بن‌علی را در زمره نظام‌های سیاسی تک‌حزبی با رقابت محدود طبقه‌بندی کرده است (Blaydes, 2011, p. 226). در رژیم بن‌علی، قدرت شخصی مانند دوران بورقبیه از کانال حزب قدرتمند حاکم اعمال می‌شد؛ حزبی که تقریباً نمی‌شد آن را از ارگان‌های دولت تمایز داد و با نهاد دولت کاملاً درهم آمیخته بود. این حزب از

1. Blyds



نمودار (۲): مدل تحلیلی منتج از مبانی نظری پژوهش

منبع: ترسیم نگارندگان

مزایا و امتیازات بالایی بهره‌مند بود به گونه‌ای که برای در قدرت ماندن نیازی نبود که تنها حزب قانونی کشور باشد. در واقع، در تونس احزاب دیگری نیز به صورت قانونی وجود داشت اما قواعد بازی سیاسی در این کشور به گونه‌ای بوده که احزاب دیگر، به تنهایی یا حتی در ائتلاف باهم نمی‌توانستند جایگزین حزب حاکم شوند. همچنین موانع جدی برای مشارکت احزاب در این کشور به چشم می‌خورد (Alexander, 2010, p. 36). استبداد و خودکامگی حکومت در تونس، انگیزه قوی در مردم برای خیزش و قیام علیه استبداد بن‌علی را به وجود آورد. خودسوزی بوعزیزی تنها جرقه این خیزش بود که باعث گردید خشم مردم شعله‌ور شده و دامن حکومت استبدادی بن‌علی را فرا گیرد، خشم مردم چنان فراگیر شد که توانست در مدت کوتاهی حکومت بن‌علی را ساقط نماید.

۴-۲- تحقیر و سرکوب ملت

سرکوب ناراضیان سیاسی، فقدان آزادی بیان و مطبوعات، شکنجه مخالفان، کنترل گسترده دولت بر رسانه‌های ارتباطی مانند اینترنت، تعرض به حقوق فردی و اجتماعی مردم و خشونت پلیس از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست در دوران بن‌علی بود (Penner Angrist, 2011, p. 32). همچنین رشد اقتدارگرایی در دوران بن‌علی به گونه‌ای بود که بسیاری دیکتاتوری او را شدیدتر از بورقبیه می‌دانند. اقتدارگرایی بن‌علی در دهه اول قرن بیست و یکم از ۳۰ سال گذشته بیشتر شده بود (Alexander, 2010, p. 3). قدرت شخصی شده یکی دیگر از ویژگی‌های مهم دیگر حکومت بن‌علی بود. در دوران بن‌علی نیز مانند بورقبیه، رئیس‌جمهور حکومت می‌کرد که هیچ محدودیت نهادی جدی در پیش‌روی خود نداشت (Alexander, 2010, p. 36). تحقیر و سرکوب ملت و اقتدارگرایی مهار نشده دولت بن‌علی در کشور تونس، زمینه‌های شکل‌گیری بحرانی گسترده را در این کشور به وجود آورد و این مسئله در نهایت دامن حکومت را فراگرفت به طوری که حکومت توان مقابله با خشم توده‌های مردم را نداشت.

۴-۳- مخالفت آشکار با اسلام و مسلمانان

ویژگی مهم حکومت بن‌علی که میراثی از دوران بورقبیه محسوب می‌شود مخالفت آشکار با اسلام و مسلمانان بود. در دوران بورقبیه و بن‌علی ممنوعیت‌های فراوانی برای جریان‌ات اسلام‌گرا وجود داشت و عملاً شدیدترین سرکوب‌ها علیه اسلام‌گرایان اعمال می‌شد. از این گذشته سکولاریسم در سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغاتی و همچنین قوانین این کشور کاملاً مشهود بوده است (Jahangir & Esmaeeli, 1392, p. 39). علی‌رغم این که اسلام دین رسمی تونس بوده و بیش از ۹۹ درصد جمعیت این کشور مسلمان هستند، ولی مخالفت آشکار علیه اسلام همواره وجود داشته است. این شیوه حکومت بن‌علی باعث همگرایی مسلمانان علیه حکومت وی گردید. اسلام سیاسی، فرهنگ اسلامی مشترک و

همگرایی مسلمانان در تونس باعث گردید که حرکت آنها به صورت دومینویی در سایر کشورهای مسلمان منطقه هم اثر گذارد و تاروپود حکومت‌های استبدادی را از هم بگسلد.

۴-۴- فساد گسترده دولتی

فساد گسترده بدون شک بارزترین ویژگی حکومت بن علی محسوب می‌شود. سفیر آمریکا در تونس در سال ۲۰۰۵ م گزارش داد که بیش از نیمی از نخبگان تجاری تونس از طریق فرزندان، برادران و سایر بستگان بن‌علی با او در ارتباط‌اند و از رانت ناشی از این پیوندها بهره می‌گیرند؛ روابط فامیلی با خانواده بن‌علی و فساد گسترده در میان آنها به گونه‌ای بوده که از آن تحت‌عنوان «نهاد فساد»^۱ در هزار فامیل تونس نام‌برده شده است. بر پایه یکی از گزارش‌های سفارت آمریکا، نهاد فساد در تونس بر اساس جغرافیایی میان خانواده‌های بن‌علی و همسرش تقسیم شده بود. بر اساس این سند، خانواده بن‌علی به منطقه میانه ساحلی تونس دست انداخته بودند، اما خانواده طرابلسی، همسر بن‌علی، در کناره‌های تونس بزرگ فعالیت می‌کردند (Ghazvini Haeri, 1390, p.37). ویکی لیکس نیز طی گزارش محرمانه‌ای، فساد خانواده بن‌علی را منتشر ساخت که سبک زندگی پر زرق و برق و معاملات تجاری مشکوک بانوی نخست کشور، لایلا طرابلسی و داماد وی، ثروتمند ۲۸ ساله، محمد ساخر الماتری را نشان می‌داد. بنیاد صداقت مالی جهانی^۲ نیز نرخ فساد این کشور در آن سال‌ها را در حدود ۱ میلیارد دلار در هر سال برآورد کرده بود (Esposito & et al., 2017, pp.290). به‌طور کلی، توسعه وابسته، حکومت سرکوب‌گر، فساد گسترده متکی به حکومت و اعضای خانواده آنان در تونس باعث نارضایتی‌های گوناگون در بخش‌های مختلف جامعه و اتحاد گسترده طبقات علیه دولت بن‌علی گردید. در نهایت این ائتلاف و اتحاد به وجود آمده با حرکت بوعزیزی توانست شورش و بحران عظیمی را علیه حکومت به وجود آورد.

۴-۵- فقر و بیکاری

فقر، بیکاری و گسترش شکاف‌های طبقاتی، از چالش‌های اساسی اقتصادی و اجتماعی در این کشور بوده است. بنا بر گزارش بانک توسعه آفریقا، در طول دو دهه گذشته نرخ بیکاری کشورهای شمال آفریقا به‌طور متوسط حدود ۱۲ درصد بوده است که بالاترین نرخ در هر منطقه از جهان است و این نرخ برای کشور تونس تا حدود ۱۴ درصد در نوسان بوده است (African Development Bank, 2012, p. 32). اگرچه تونس سرمایه‌گذاری‌های فراوانی در عرصه آموزش انجام داد، اما نتوانست نیروی جوان ماهر مورد

1. Institution of Corraption
2. The Global Financial Integrity Foundation (GFIF)

نیاز برای اشتغال آموزش دهد (Alexander, 2010, p. 86). دولت تونس در سال ۲۰۱۰ یک بسته اصلاحی برای مقابله با مشکلات بنیادین اقتصادی و اشتغال به اجرا درآورد، اما این اقدام تأثیر چندانی در بهبودی اوضاع نداشت. برای نمونه نتوانست برای فارغ التحصیلان دانشگاه تونس که ۲۰ درصد آنها بیکار بودند شغل ایجاد کند. افزون بر این اصلاحات اقتصادی شکاف ناشی از نابرابری اقتصادی بین مناطق شهری و روستایی را نیز عمیق‌تر کرد (Esposito et al., 2017, pp.290-91). گلدستون در پژوهشی که در خصوص انقلاب‌های اخیر انجام داده می‌ویسد: ثبت نام در دانشگاه‌های تونس طی سالیان اخیر سه برابر شد و فراهم کردن کار برای این جمعیت دشوار بوده است. اصولاً جوانان تحصیل کرده و کارگران در تونس در سال‌های گذشته نیز اعتراض‌ها و اعتصاب‌های را داشته‌اند تا توجه مسئولان را به نرخ بالایی بیکاری، دستمزدهای پایین، آزار پلیس و فساد دولت جلب کنند (Goldstone, 2011, p. 41).

۴-۶) نقش بازیگران خارجی در فرایند گذار سیاسی

افزون بر عوامل داخلی تأثیرگذار بر سرنگونی رژیم پیشین و آغاز فرایند گذار در تونس، بازیگران خارجی نیز در این میان نقش داشتند. از این رو، پس از خیزش‌های مردمی جهان عرب، آمریکا و سایر بازیگران عرصه سیاسی جهانی نیز نسبت به این رویدادها بی‌تفاوت نبوده و تلاش کردند تا بر پایه آن، استراتژی خود را با هم‌پیمانان خویش در منطقه منا^۱ (خاورمیانه و شمال آفریقا) هماهنگ کنند؛ بنابراین، این کشورها از طریق فضای مجازی و حقیقی در شکل‌گیری و ادامه تظاهرات نقش‌آفرینی کردند. در مورد تونس در برخی از منابع اشاره شده که ژنرال عمار، فرمانده ارتش، پیش از قربانی کردن رئیس‌جمهور تونس، با آمریکایی‌ها و فرانسوی‌ها به توافق رسیده بود. صرف‌نظر از درستی یا نادرستی این خبر، هدف ارتش از تسهیل خروج بن‌علی از تونس توقف شورش و تظاهراتی بود که بیم آن می‌رفت مورد سوءاستفاده رادیکال‌ها قرار گیرد و آمریکا و فرانسه به‌طور بالقوه در این هدف ارتش شریک بوده‌اند (Ahmadian, 2010, p.46)

پس از سال ۲۰۱۱ م نیز اتحادیه اروپا، به‌ویژه فرانسه، آلمان و انگلستان و همچنین ایالات متحده کمک‌های خود به کشورهای درگیر انقلاب، از جمله تونس را گسترش دادند. مقادیر کمک، روش‌های کمک (وام، گرنت و سرمایه‌گذاری) و شیوه‌های مشارکت تفاوت چشمگیر داشته است، اما سه اولویت همپوش وجود داشته: الف) کمک به اقتصاد تونس، ب) تقویت امنیت و ج) ارتقاء نهادها و رویه‌های دموکراتیک در این کشور (Bruwell, Hawthorn, Merzran, & Miller, 2016, p.11). برای نمونه در

نشست سران در مه ۲۰۱۱ م در فرانسه، رهبران گروه جی ۸، قول ۴۰ میلیارد دلار کمک مالی عمدتاً شامل وام‌های کم‌بهره به مصر و تونس برای یک دوره نامشخص را دادند که بعدها این مبلغ دو برابر شد (Baabood, 2014, p. 44).

در میان کشورهای اتحادیه اروپا فرانسه همواره پیوندهای تنگاتنگی با تونس داشته است. اولویت‌های فرانسه در سیاست تونس پس از انقلاب، توسعه اقتصادی و همکاری‌های تکنیکی مربوط به ارتقاء وضعیت حکمرانی، جامعه مدنی، پیوندهای فرهنگی بوده است. قبل از انقلاب ۲۰۱۱ کمک‌های فرانسه به تونس عمدتاً از طریق آژانس توسعه فرانسه صورت می‌گرفت. پس از انقلاب ۲۰۱۱ این کمک‌ها را به ۱۸۵ میلیون یورو کمک‌های نقدی و ۳۵۰ میلیون یورو وام برای پروژه‌های زیربنایی اختصاص داد. در فوریه ۲۰۱۶ فرانسه اعلام کرد که برنامه حمایت اقتصادی ۵ ساله یک میلیارد یورویی برای تونس با تمرکز بر اشتغال جوانان و توسعه مناطق داخلی کشور تصویب کرده است. از هنگام وقوع انقلاب تونس در سال ۲۰۱۱، فرانسه به بیش از ۱۳۰ پروژه جامعه مدنی کمک مالی کرده و چهار گردهمایی جامعه مدنی سالیانه فرانسه- تونس و برنامه کمک یک‌میلیون یورویی برای حکمرانی دموکراتیک و حقوق بشر و دموکراتیزاسیون به مرحله اجرا درآورده است. فرانسه همچنین هر ساله بیش از هزار بورسیه تحصیلی به تونسی‌ها برای ورود به دانشگاه‌های خود اعطا کرده است. افزون بر این، روابط نظامی نزدیک و همکاری‌های امنیتی، هسته اصلی خط‌مشی فرانسه در تونس باقی ماند. فرانسه نقش مهمی در امنیت مرزها، فرودگاه‌ها و کارکنان امنیتی مرزی داشته و همچنین صدها سرباز و افسر تونسی را آموزش و به‌گشایش مرکز آموزش نظامی در قفسا کمک کرده است. در اکتبر ۲۰۱۵ م، وزیر دفاع فرانسه ژان یوو دریان اعلام کرد ۲۰ میلیون کمک نظامی تونس برای افزایش نیروهای ویژه و همکاری‌های اطلاعاتی به تونس اختصاص داده است (Bruwell et al., 2016, pp.12-13).

اولویت حمایت‌های آمریکا نیز بر سه محور کلی تمرکز داشته است: الف) افزایش امنیت، ب) ارتقاء رشد اقتصادی و ج) تقویت و تحکیم مشارکت دموکراتیک در حکمرانی خوب. درخصوص محور سوم، آمریکا در مجموع بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ م، ۸۰ میلیون دلار برای حمایت از دموکراسی به این کشور کمک کرده است که عمدتاً بر حمایت‌های سازمانی به انتخابات، تقویت احزاب سیاسی، توسعه جامعه مدنی و مشارکت جوانان متمرکز بوده است. در حوزه آموزشی نیز ایالات متحده بورسیه تحصیلی در اختیار تونسی‌های محروم برای مطالعه در کالج‌های آمریکا قرار داده است (Bruwell et al., 2016, p. 16). روی هم رفته، کمک‌های ایالات متحده از زمان انقلاب تونس بیش از ۷۰۰ میلیون دلار به شکل کمک‌های مالی نقدی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، بوده است. در سال ۲۰۱۰ کمک آمریکا ۲۲ میلیون دلار بود که بخش

عمده آن را کمک‌های نظامی تشکیل می‌داد. در سال مالی ۲۰۱۵ م، دولت آمریکا ۹۱ میلیون دلار کمک‌های دوجانبه شامل ۵۰ میلیون دلار حمایت اقتصادی برای برنامه‌های اقتصادی و پیشبرد دموکراسی، ۳۰ میلیون دلار کمک‌های نظامی برای خرید تسلیحات نظامی، تجهیزات و آموزش نیروهای نظامی و ۱۱ میلیون کمک امنیتی غیرنظامی برای وزارت کشور و وزارت عدلیه در اختیار تونس قرارداد. در سال ۲۰۱۷ م درخواست کمک ۱۴۰ میلیون دلاری شامل افزایش حمایت‌های اقتصادی به ۷۴ میلیون دلار و کاهش کمک‌های نظامی به ۴۵ میلیون دلار بود (Humud & Arieff, 2015).

از بُعد منطقه‌ای نیز، تحولات شگرف ناشی از انقلاب‌های تونس، مصر و لیبی، پویایی‌هایی ژئوپلیتیکی، ناامنی منطقه‌ای و بی‌ثباتی‌های گسترده‌ای را موجب شد که به نوبه خود چالش‌های امنیتی بسیاری برای کشورهای عربی خلیج فارس در پی داشت. این کشورها واکنش‌های متفاوتی نسبت به این رویدادها اتخاذ کردند. در قبال تحولات تونس و مصر، کشورهای عربی خلیج فارس به‌استثنای قطر، روابط دوستانه خود با رژیم‌های اقتدارگرای مبارک و بن علی را حفظ و با توجه به نگرش منفی خود نسبت به خیزش‌های مردمی، از همکاری با حکومت‌های جدید اخوان‌المسلمین در هر دو کشور خودداری ورزیدند. کشورهای خلیج فارس، وضع موجود را ترجیح می‌دادند و دموکراسی واقعی را تهدید امنیتی و ایدئولوژیکی عمده‌ای برای رژیم‌های خود به شمار می‌آوردند؛ اما در ادامه، هنگامی که کمک‌های بین‌المللی به این کشورها آغاز شد، کشورهای عربی خلیج فارس برای اینکه خود را حامی کشورهای عربی شریک خود نشان بدهند قول ۱۳ میلیارد دلار کمک به مصر و تونس دادند، با این حال بعدها از اجرای تعهد خود سرباز زدند. در تونس درحالی که قطر از قیام مردم و حکومت تازه منتخب النهضه حمایت می‌کرد، عربستان سعودی به بن علی پیشنهاد پناهندگی داد. قطر همچنین ۳۱ میلیون دلار در زمینه پروژه‌های مسکن در تونس هزینه و در پروژه‌های زیربنایی و تله‌کام سرمایه‌گذاری کرد (Baabood, 2014, pp. 42-46).

به‌طور کلی می‌توان گفت مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی همچون ساختار سیاسی اقتدارگرای تونس در کنار ویژگی‌هایی چون فساد گسترده دولت، دیکتاتوری حزبی، اسلام‌زدایی، استبداد و شخصی بودن قدرت، زمینه‌های نارضایتی و شکل‌گیری بحران‌های متراکمی چون بحران مشارکت، بحران مشروعیت و بحران هویت را در تونس ایجاد کرد و رشد جمعیت و بیکاری به‌ویژه میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیز بر وخامت این بحران‌ها افزود. در واقع تراکم بحران‌های فوق شرایط انفجارگونه‌ای را در جامعه تونس ایجاد کرده و گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف را در مقابل حکومت بن علی قرار داده بود، به‌صورتی که شرایط کشور مترصد جرقه‌ای کوچک بود. در چنین شرایطی، خودسوزی محمد بوعزیزی به

متابه جرقه‌ای بر مطالبات عمیق و نارضایتی‌های گسترده مردم عمل کرد و باعث شروع خیزش و جنبش انقلابی مردم گردید در این میان، مداخلات و رقابت‌های خارجی نیز دامنه این بحران را گسترش بخشید.

۵- شکل‌گیری مرحله دوم گذار سیاسی (گذار توافقی)

در ادامه روند تحولات انقلابی عواملی مانند (۱) وجود جامعه مدنی قوام‌یافته و متکثر، (۲) گرایش مساعد نیروهای مسلح به فرایند گذار، (۳) طبقه متوسط پویا و بادوام و (۴) انسجام و همبستگی مشترک جناح‌ها و گروه‌ها باعث شکل‌گیری گذار توافقی در کشور تونس گردید:

۱-۵- جامعه مدنی قوام‌یافته و متکثر

نوع قوام‌یافته یا گسسته جامعه مدنی، پایداری یا شکنندگی آن، بالطبع نوع کم‌خشونت و یا پرخشونت گذار را تعیین می‌نماید. از نظر اودانل و اشمیتز به محض این که رژیم‌های اقتدارگرا نشان می‌دهند که در حال کاهش دادن هزینه‌های مشارکت در فعالیت جمعی است و مجادله و چالش بر سر مسائلی که قبلاً ممنوع شده بود را جایز می‌شمرد، به ناگاه خود را در برابر جامعه‌ای می‌بیند که مجدداً سیاسی شده؛ چیزی که اصطلاحاً رستاخیز جامعه مدنی نامیده می‌شود (O'Donnel et al., 1986, pp.48-49). ساموئل هانتینگتون^۱ نیز بر این عقیده است که اولاً جامعه مدنی قوام‌یافته از طریق ساماندهی بهتر نیروهای مدنی، بسیج گسترده‌تر منابع و تعمیق بسیج سیاسی باعث تسهیل در پیروزی سریع انقلاب یا کوتاه‌شدن دوره گذار می‌شود؛ و تداوم رژیم مستقر یا پیروزی گروه‌های انقلابی اساساً به قوت و ضعف آن بستگی دارد. ثانیاً جامعه مدنی قوام‌یافته به واسطه تسریع در روند پیروزی انقلاب، از میزان تلفات انسانی و به عبارتی دقیق‌تر، میزان خشونت به کار رفته می‌کاهد (Huntington, 1994, p. 159).

در تونس، قانون فعالیت نهادهای مدنی مصوب سال ۱۸۸۸ میلادی، فعالیت نهادهای مدنی حتی پیش از استقلال تونس را نیز به رسمیت می‌شناخت. هرچند جامعه مدنی پس از کسب استقلال آن کشور در دوره ریاست جمهوری بورقبیه و بن‌علی با نوساناتی همراه بود، اما در ابعاد کلی، جامعه مدنی آن کشور همواره از پویایی نسبی برخوردار بوده است و نزدیکی جغرافیایی کشور تونس به قاره اروپا باعث شده است تا از فرهنگ سیاسی اروپا تأثیر بپذیرد (Morfi, 2004, p.238). بن‌علی حاکم دیکتاتور تونس علی‌رغم حکومت اقتدارگرایانه خود سعی کرد تا برای ارتقای سطح مشروعیت خود در جامعه به اقداماتی مانند وارد کردن آثار و مظاهر مدرنیته به تونس دست زند (Lisa, 2011, p. 2). در واقع وی پس از به‌دست گرفتن

1. Samuel Huntington

قدرت در تونس در چهرهٔ یک رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب ظاهر شد و اصلاحاتی مانند اضمحلال دادگاه امنیتی کشور و ایجاد قوانین اصلاحی که منجر به ایجاد و گسترش نهادهای غیردولتی گردید را آغاز کرد. از دیگر اقدامات او، اجرای برنامه‌های آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی در این کشور بود که این امر به‌خودی‌خود پشتوانه‌ای برای بخش خصوصی در حوزهٔ اقتصاد به‌حساب می‌آمد و بدین‌سان گسترش سطح فعالیت‌های جامعه مدنی در تونس را در پی داشت. از جمله نهادهای مدنی که در اثر این اقدامات در تونس پا گرفتند می‌توان به سازمان‌هایی از قبیل اتحادیهٔ عمومی کار تونس، اتحادیهٔ بازرگانی تونس، سازمان تحقیقات و تحولات زنان تونس، جامعه حقوق بشر تونس، شورای ملی آزادی، سازمان دموکراتیک زنان تونس و حزب النهضه اشاره کرد (Bajzikova, 2012, p. 16). پس از انقلاب نیز جنبش‌های سیاسی اجتماعی بسیاری توسط گروه‌های غیرمذهبی در طی دوره گذار شکل گرفت. طرح حکومت آزاد^۱ ابتکاری بود که در نوامبر ۲۰۱۱ توسط گروهی از فعالان جوان سایبری با هدف افزایش شفافیت و کاهش فساد در حکومت در حال گذار شکل گرفت و به جامعه مدنی برای تعریف و تعیین ابعاد مختلف حکمرانی خوب و شفافیت سیاست‌ها و عملکردها کمک فراوانی کرد (Honwana, 2013, p. 199). به اعتقاد اسپوزیتو اتحادیهٔ عمومی کارگران تونس و گروه‌های جامعهٔ مدنی از جمله اتحادیه‌های کارفرمایی، انجمن وکلای تونس و جامعهٔ حقوق بشر این کشور نقش عمده‌ای در فرایند گذار ایفا کردند... اتحادیهٔ عمومی کارگران تونس به‌منابه تریبونی برای بیان طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌ها و عقاید عمل می‌کرد و تمامی آنها را پیرامون هدف مشترکی گرد آورد... همان‌گونه که سارا چایس می‌نویسد؛ بدون دخالت مؤثر اتحادیه عمومی کارگران تونس - که از لحاظ قدرت و مشروعیت رقیب اسلام‌گرایان محسوب می‌شود - احتمال اینکه تونس به توافق سیاسی مهمی دست یابد، دور از انتظار بود (Esposito et al., 2017, pp. 304-305).

بدین‌سان تونس جامعهٔ مدنی نسبتاً قوام‌یافته و تثبیت‌شده‌ای دارد. ثانیاً دورهٔ گذار سیاسی کوتاهی را در آن کشور شاهد بودیم. به‌طور مشخص‌تر درحالی‌که اعتراضات انقلابی در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد، انقلاب با برکناری بن‌علی در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ به پیروزی رسید. از این‌رو از آغاز انقلاب تا پیروزی در تونس ۲۸ روز فاصله بود. ثالثاً بر اساس آمارهای موجود در طول انقلاب تنها ۳۳۸ نفر کشته شدند، بنابراین گسترهٔ خشونت به‌کارگرفته‌شده در این انقلاب محدود بود. بدین ترتیب، میان نوع جامعهٔ مدنی تونس و

گذار سیاسی مسالمت‌آمیز آن ارتباط وجود داشته است. حلقه‌های این ارتباط تا حد زیادی به توان بالای جامعه مدنی قوام‌یافته تونس در تعمیق بسیج سیاسی مربوط می‌شد که موجب شد گذار سیاسی در تونس در بازه زمانی کوتاهی حادث شود. همین دوره کوتاه گذار از طریق کاهش میزان تلفات انسانی، در جای خود از گستره خشونت اعمال‌شده در این گذار کاست.

۵-۲- نگرش مساعد نیروهای مسلح به فرایند گذار

از نظر اودانل و اشمیتر توافق نظامیان برای دموکراتیزاسیون بر انعقاد هرگونه پیمانی بین احزاب سیاسی یا نیروهای اجتماعی در طول گذار از رژیم اقتدارگرا به به دموکراسی اولویت دارد. جنبه آزادسازی توافق به تمایل افسران نظامی در سلب مسئولیت از خود برمی‌گردد که شامل آگاهی فزاینده نسبت به این امر است که رژیم به‌زودی در آینده نزدیک باید درصدد کسب درجاتی از مشروعیت انتخاباتی باشد (O'Donnell & Schmitter, 1986, p.39). در این خصوص نیز واکنش نظامیان مؤلفه‌ای کلیدی در فرایند گذار کشورهای درگیر بهار عربی بود، به طوری که ارتش و نظامیان سه نوع واکنش متفاوت را در جریان شورش‌های مردمی در این کشورها به نمایش گذاشتند؛ بی‌طرفی نسبی نظامیان در مصر، نقش مثبت و سازنده ارتش در تونس و عملکرد منفی و مخرب ارتش در لیبی (Ammor, 2011, p. 130).

ارتش تونس پیش و پس از انقلاب مردمی این کشور در صحنه سیاسی حضور نداشته و همواره به‌عنوان یک نهاد نظامی حرفه‌ای کوچک و در حد و اندازه خود نقش‌آفرینی کرده است در واقع، ارتش تونس از زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۵۶ میلادی تاکنون هرگز تلاش نکرده به یک طبقه حاکم تبدیل شود و به همین دلیل نیز، از دوران ریاست جمهوری «حبيب بورقیه» در دهه ۵۰ قرن گذشته میلادی همواره خود را از تصمیم‌گیری‌های سیاسی دور نگاه داشته است. این مسئله با میراث مدنی کشور سازگار بوده که «حبيب بورقیه» طی دوران بلندمدت ریاست جمهوری خود، آن را تحکیم بخشید و نیروهای به قدرت رسیده پس از انقلاب مردمی تونس نیز نقش ارتش را دست‌نخورده باقی گذاشتند. حال اگر نیروهای به قدرت رسیده در تونس پس از انقلاب مردمی اخیر، با هدف پایبندی به سنت مدنی کشور و یا از ترس افزایش قدرت و نفوذ نظامیان، اجازه نقش‌آفرینی بیشتر ارتش در مسائل سیاسی کشور را نداده باشند، در هر دو صورت نتیجه به‌دست‌آمده یکی بوده و به نفع کشور و انقلاب است (Aldakhil, 2014, p.13). افزون بر این رژیم بورقیه به سایر نهادهای امنیتی زیر نظر وزارت کشور اختیاری بیشتری داده بود، بنابراین، ارتش، نفع و انگیزه‌ای در بقای رژیم نداشت. از این‌رو هنگامی که رژیم در سرکوبی معترضان ناتوان ماند و به ژنرال عامر رشید فرمان داد که نظامیان را وارد میدان کند، وی از این امر امتناع ورزید و ارتش را بین نیروهای امنیتی و مردم قرارداد، این اقدام، سرنوشت‌ساز بود و نقش بسزایی در سرنگونی بن

علی ایفا نمود (Sayed, 2012, pp. 153-159). بدین‌سان ارتش تونس در جریان انقلاب این کشور به‌نوعی رو‌بازی نکرد و در سیاست به‌صورت مستقیم دخالت ننمود و هرگز تلاش نکرد به طبقه حاکم تبدیل شود. تنها مردم و طایفه‌های تونس بودند که در این کشور نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند و نیروهای مدنی در تونس توانستند زمام امور و کنترل کشور را در اختیار گیرند.

۵-۳- طبقه متوسط پویا و بادوام

وجود طبقه متوسط قوی با توسعه سیاسی و ثبات اقتصادی-اجتماعی ارتباط مستقیم دارد، لذا ایجاد یک طبقه متوسط باید هدف اصلی هر دولت یا رهبر سیاسی به‌منظور ایجاد تعادل بین رشد و توسعه و تقسیم موفقیت جامعه باشد (Huntington, 1994, p. 433). تونس در دوران بن‌علی گام‌های اساسی در جهت ایجاد طبقه متوسط برداشته است. از اوایل دهه ۱۹۹۰ م، دولت این کشور حرکتی پویا در زمینه انجام تغییرات اجتماعی آغاز کرده که شامل تغییر در تفکرات، رفتارها و الگوهای ارتباطی می‌شود. چنین حرکتی که بر رفتار دولت، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های تجاری و از همه مهم‌تر روابط با دنیای خارج تأثیر گذاشته، با هدف ایجاد تغییرات بنیادهای جدید و با به‌کارگیری یک سیستم مدرن اجتماعی-اقتصادی انجام گرفته است. رئیس‌جمهور بن‌علی در سال ۱۹۹۴ م در نطقی اظهار داشت: «قدرت و عدم آسیب‌پذیری یک جامعه به‌طور اساسی به وجود وحدت و اندازه طبقه متوسط آن جامعه بستگی دارد» (Barzegar, 2002, p. 60).

همچنین طی سال‌های اخیر دولت تونس در حال توسعه سیاست‌هایی به‌منظور ایجاد تعامل بین دولت و جامعه در درون چارچوبی از ارزش‌های فرهنگی و پیشرفت اجتماعی به‌سوی ایجاد یک طبقه متوسط مؤثر در درون جامعه گام برداشته است. طبقاتی همچون، مدیران و کارمندان دولت، اساتید دانشگاه‌ها، معلمان و روشنفکران، خرده‌تاجران و حتی کشاورزان نیز درون این چارچوب به‌عنوان طبقه متوسط تعریف می‌شوند. این امر به دولت اجازه می‌دهد تا در جهت توسعه برنامه‌های ویژه، گام مؤثری بردارد و روند تصمیم‌گیری‌ها را با در نظر گرفتن منافع و ملاحظات طبقه متوسط تنظیم کند. از دیدگاه دولت بن‌علی، حضور یک طبقه متوسط باثبات در کشوری چون تونس برای ایجاد تعادل بین ساختارهای اجتماعی که ثبات سیاسی سیستم را در برابر جنبش‌های رادیکال سیاسی محفوظ نماید امری ضروری است (Bellin, 2012, p. 138). در تونس طبقه متوسط از رشد خوبی برخوردار بود، به‌طوری‌که با شروع خیزش‌های مردمی این طبقه متوسط زمینه‌ساز بحرانی گسترده جهت به‌چالش کشیدن حکومت بن‌علی گردید. در نهایت، انسجام و همبستگی طبقه متوسط ادامه فرایند گذار یا دموکراتیزاسیون را هموارتر نمود.

۵-۴- انسجام جناح‌ها و نهادها

انسجام جناح‌ها و نهادها نقشی اساسی در فرایند گذار سیاسی دارند. نهادهای دولتی و کارآمد مانند ارتش، دیوان‌سالاری یا ادارات و نهاد قضایی مستقل، کلید دموکراسی نیرومند و شکوفا هستند. میزان تجانس قومی و مذهبی در تونس بسیار بالاست. در تونس ۹۹ درصد مردم مسلمان و مالکی هستند، این امر یعنی آشتی‌پذیری نسبی شکاف‌های اجتماعی در تونس، میزان انسجام نیروهای اجتماعی سیاسی و همچنین عملکرد دستگاه دیوان‌سالاری دولت را ارتقاء بخشیده است. تونس جدید از دولت و نهادهای دولتی نیرومندی برخوردار است که تقریباً شایسته‌سالار و حرفه‌ای هستند؛ این واقعیت، چشم‌انداز ایجاد یک دولت پاک، کارآمد و فن‌سالار (تکنوکرات) را به جای بن‌علی روشن و تقویت می‌کند (Bellin, 2012, p. 134). در تونس جامعه مدنی و رهبران سیاسی این کشور، تعهد بالایی به فرایند دموکراتیک از خود نشان داده‌اند و کمیسیون عالی اصلاحات سیاسی به دنبال فرایند نهادسازی جامع و پذیرش نظامی از نمایندگی سهمیه‌ای است. عامل مهم دیگر این است که جناح‌های سکولار و اسلام‌گرا تعهد یکسانی به فرایند گذار و انتقال دموکراتیک قدرت از خود نشان داده‌اند (Artz et al., 2014, p. 136). برای نمونه، در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۳ م هنگامی که پس از ماه‌ها کشمکش سیاسی، النهضه از قدرت کناره‌گیری و آن را به دولت موقت واگذار کرد، برخی از اعضای النهضه استعفاء را شکستی برای این دولت به شمار می‌آوردند، با این حال، تصمیم‌گیرندگان النهضه کشمکش و مجادله را کنار گذاشتند و در واقع راهی برگزیدند که اهداف سیاسی حکمرانی دموکراتیک و یکپارچگی ملی را بر جاه‌طلب‌های شخصی و جناحی ترجیح می‌داد. رفیق عبدالسلام وزیر خارجه دولت پیشین اظهار داشت: النهضه حزبی سازشکار و امتیازدهنده توصیف می‌شود، با این حال ما از واگذاری این امتیازات شرمند نیستیم، چراکه واگذاری این امتیازات برای پایداری تونس و حفظ تجربه دموکراتیک ما به نحوی که این کشور به ساحل امن برسد، ضروری است (Esposito et al., 2017, pp. 302-303).

بنابراین، بر اساس میزان برخورداری از این امتیازات ساختاری و متغیرهای سیاسی، تونس ظرفیت و توانایی خوبی برای طی کردن مسیر دموکراسی و حکمرانی خوب دارد. در ادامه، گستره و ژرفای نهادها و آرمان‌های دموکراسی و حکمرانی خوب را در تونس پساانقلابی مورد ارزیابی قرار می‌دهیم:

واحد اطلاعات اکونومیست^۱ سالیانه تصویری کلی از وضعیت دموکراسی در سراسر جهان برای ۱۶۵ کشورهای مستقل را پوشش می‌دهد. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته توسط این نهاد بین‌المللی، نمرات پنج شاخص دموکراسی در کشور تونس در پایان سال ۲۰۱۴ م به شرح ذیل بوده که در جدول (۱) نمایش داده شده است:

جدول (۱): شاخص‌های دموکراسی در کشور تونس در سال ۲۰۱۴

کشور	نوع رژیم	مقام	نمره کلی	روند انتخابات و کثرت‌گرایی	عملکرد دولت	مشارکت سیاسی	فرهنگ سیاسی	آزادی‌های مدنی
تونس	دموکراسی ناقص	۷۰	۶,۳۱	۷,۰۰	۶,۰۷	۷,۲۲	۶,۲۵	۵,۰۰

(The Economist Intelligence Unit, 2015, p. 8)

طی ارزیابی و بررسی‌های به‌عمل‌آمده از سوی واحد اطلاعات اکونومیست در مورد شاخص‌های دموکراسی در جهان در پایان سال ۲۰۱۴ م، کشور تونس با کسب نمره ۶,۷۱ از شاخص‌های دموکراسی، مقام ۷۰ در جهان را کسب نموده است و جزو رژیم‌های با دموکراسی ناقص قرار می‌گیرد. منظور از رژیم برخوردار از دموکراسی ناقص، رژیمی است که به‌رغم وجود مشکلاتی در آن (مانند نقض آزادی رسانه‌ها)، انتخابات آزاد و عادلانه برگزار و به آزادی‌های اساسی مدنی احترام گذاشته می‌شود. با این حال، نقاط ضعف قابل توجهی در جنبه‌های دیگری از دموکراسی، از جمله مشکلات راهبردی، فرهنگ توسعه‌نیافته سیاسی و سطح پایین مشارکت سیاسی وجود دارد (The Economist Intelligence Unit, 2015, p. 35).

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته از وضعیت جامعه مدنی، نگرش نیروهای مسلح به فرایند گذار، طبقه متوسط، گستره و ژرفای دموکراسی و انسجام جناح‌ها و نهادها در کشور تونس، این کشور نوعی گذار توافقی را در روند دموکراتیزاسیون تجربه کرده است که نشان‌دهنده روزه پیشرفت بودن دموکراسی و فراهم شدن زمینه‌های شکل‌گیری حکمرانی خوب در این کشور است. جدول (۲) مؤلفه‌های سیاسی جامعه پساانقلابی تونس را نشان می‌دهد:

1. The Economist Intelligence Unit

جدول (۲): وضعیت سیاسی جامعه پس‌انقلابی تونس

نوع رژیم جدید	دهوکراسی ناقص
فرهنگ سیاسی	تقویت یافته
مشارکت سیاسی	افزایش یافته
عملکرد دولت	خوب
انتخابات و کثرت‌گرایی سیاسی	روند رو به رشد
آزادی‌های مدنی	روند رو به رشد
انسجام جناح‌ها و نهادها	خوب
نوع گذار	توافقی
طبقه متوسط	پویا و منسجم
نگرش نیروهای مسلح به فرایند گذار	موافق
جامعه مدنی	متکثر و قوام یافته

گسترده و زرفای
دموکراسی

منبع: ترسیم توسط نگارندگان

۶- تأثیر نوع گذار سیاسی بر وضعیت حکمرانی خوب در کشور تونس

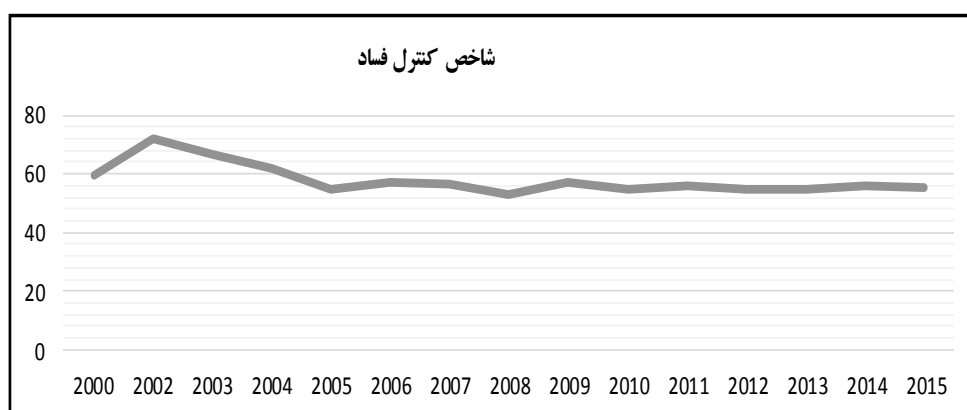
در سطور بالا تحولات سیاسی حادث شده در کشور تونس بررسی و مشخص گردید با توجه به وضعیت مناسب جامعه مدنی، نگرش نیروهای مسلح به فرآیند گذار، طبقه متوسط پویا و بادوام و انسجام جناح‌ها و گروه‌ها در این کشور، گذار نسبتاً موفق را از سال ۲۰۱۱ م آغاز کرده است. انقلاب تونس تا به امروز تغییرات سیاسی گسترده‌ای در این کشورها به ارمغان آورده است، اما شکل‌گیری نهادهای سیاسی و اقتصادی قوی با رشد اقتصادی که شهروندان را قادر به نظارت و ارزیابی اقدامات حاکمان کند، هنوز نیاز به فرصت دارد؛ زیرا بدون نظارت مردم، حاکمان جدید سیاست‌های حاکمان گذشته را ممکن است تکرار کنند. تغییر رژیم و رد نظم سیاسی استبداد قدیمی ضامن اصلی بهبود حکمرانی خوب در آینده نزدیک نخواهد بود، زیرا بهبود حکومت و دسترسی به حکمرانی خوب نیازمند اصلاحات سخت و اقدامات عمده‌ای از جمله ایجاد ثبات سیاسی، تدوین قانون اساسی جدید، برگزاری انتخابات رقابتی و دموکراتیک، کنترل فساد و مانند آن خواهد بود (Kaufmann, 2011, p. 37).

در ادامه، جهت ارزیابی میزان تحقق حکمرانی خوب در کشور تونس، مؤلفه‌های آن به ترتیب در سه بُعد نهادی (کنترل فساد و حاکمیت قانون)، بُعد سیاسی (حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی دموکراتیک، ثبات

سیاسی و عدم خشونت) و بُعد اقتصادی (کارایی و اثربخشی دولت و کیفیت نظارتی)، از منظر بانک جهانی بررسی می‌گردد:

۶-۱- شاخص کنترل فساد

کنترل فساد به معنای مبارزه با مواردی همچون: رانت‌خواری، پرداخت رشوه، کسب ناعادلانه منافع خصوصی و بی‌توجهی به قوانین است. به خوبی قابل فهم است جامعه‌ای که در آن به قوانین احترام گذاشته می‌شود و اثراتی از رانت‌خواری و پرداخت رشوه و کسب ناعادلانه منافع خصوصی نیست خود می‌تواند زمینه‌ساز جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و منابع ارزی به کشور شود. فرهنگ بومی فساد در مصر و تونس مانع شفافیت شرکت‌ها و پاسخگویی آنها می‌شود. هرچند اطلاعات قابل اعتماد کمی در این خصوص وجود دارد. فساد، به‌طور گسترده متوجه بخشی از زندگی روزانه مردم شده است (Transparency International, 2013, p. 55). در تونس تحت حاکمیت بن‌علی، فساد گسترده‌ای وجود داشت که در آن نخبگان حاکم، از جمله خانواده و دوستان آنها، سیاست و بخش‌های کلیدی اقتصاد را در اختیار داشتند. آنها مؤسسات رسمی و غیررسمی را تحت فشار قرار داده و برای تداوم قدرت خود، کنترل تجمع و توزیع منابع و مشاغل را در اختیار گرفته بودند (Kaufmann, 2011, p. 30). طی بررسی بانک جهانی از مؤلفه‌ها و متغیرهای شاخص کنترل فساد در کشور تونس وضعیت این شاخص به شرح ذیل بوده است؛ که در قالب نمودار (۳) به صورت خطی برحسب رتبه صدک نشان داده شده است.



نمودار (۳): شاخص کنترل فساد در کشور تونس برحسب رتبه صدک
(World Bank, 2016)

علاوه بر استفاده از شاخص کنترل فساد، از منظر بانک جهانی هر ساله سازمان شفافیت بین‌المللی گزارش سالانه خود از فساد اداری و مالی در ۱۷۵ کشور جهان را تحت عنوان شاخص درک فساد منتشر می‌کند. سازمان شفافیت بین‌المللی برای محاسبه شاخص درک فساد مواردی چون اختلاس، رشوه‌گیری، خرید و فروش پست‌های دولتی، رشوه‌پذیری دستگاه قضایی، فساد مالی میان سیاست‌مداران و مقام‌های دولتی و ناکارآمدی در پیکار علیه مواد مخدر را بررسی می‌کند و پس از سنجش به هر کشور، نمره‌ای داده می‌شود که از امتیاز ۱۰۰ (فاقد فساد) تا نمره صفر (دارای فساد کامل) در نوسان است. (International, 2014, p. 35 Transparency).

ارزیابی سازمان شفافیت بین‌المللی شاخص درک فساد کشور تونس طی سال‌های گذشته در قالب جدول (۳) نشان داده شده است:

جدول (۳): شاخص درک فساد سازمان شفافیت بین‌المللی در کشور تونس

کشور	نمره شاخص درک فساد		
	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
تونس	۴۱	۴۱	۴۰

(Transparency International, 2014)

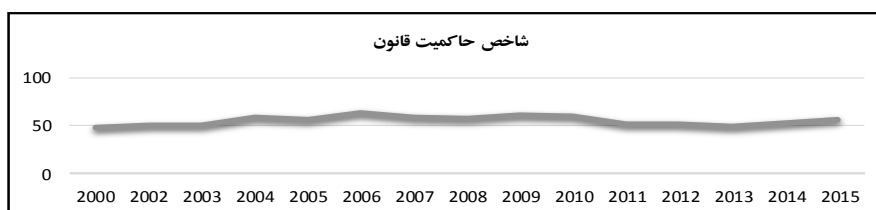
فرهنگ بومی فساد در تونس مانع شفافیت شرکت‌ها و پاسخگویی آنها می‌شود. هر چند اطلاعات قابل‌اعتماد کمی در این خصوص وجود دارد. فساد، به‌طور گسترده متوجه بخشی از زندگی روزانه مردم است (Transparency International, 2013, p.36). البته انقلاب‌های عربی امید برای بهبود اوضاع را افزایش داد، با این حال، گذار به دموکراسی و تغییر اوضاع یک‌شبه رخ نمی‌دهد و بسیار زمان‌بر است. پس از سقوط بن‌علی در تونس، امیدها برای بهبود اوضاع در این کشور افزایش یافت. بر پایه بررسی‌های صورت گرفته توسط بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌المللی رتبه شاخص فساد در کشور تونس وضعیتی مانند سال‌های قبل از انقلاب را دارا است.

۲-۶- شاخص حاکمیت قانون

نهادمند شدن روابط در جامعه و یا به نوعی تحقق حاکمیت قانون در جامعه از شاخصه‌های جوامع توسعه‌یافته و از اهداف عمده توسعه سیاسی است. از این رو هنگامی که از حاکمیت قانون در جامعه، به معنای کلی آن، سخن به میان می‌آید، منظور حاکمیت ضوابط و اصولی است که از سطح خرد (فردی) تا سطح کلان (دولت و حکومت) جریان دارد؛ به بیان دیگر، حاکمیت قانون باعث شکل‌گیری و

نهادینه‌شدن سازوکارهایی برای حل منازعات و تنظیم روابط در درون ساخت جامعه می‌شود (Katouzian, 1987, p. 84).

در همین راستا طی بررسی که بانک جهانی از متغیرها و مؤلفه‌های شاخص حاکمیت قانون در سال ۲۰۱۴ م در کشور تونس که جهت حکمرانی خوب انجام داده است وضعیت شاخص حاکمیت قانون در این کشورها به شرح ذیل بوده که در نمودار (۴) به صورت نمودار خطی برحسب رتبه صدک نشان داده شده است:



نمودار (۴): شاخص حاکمیت قانون در کشور تونس برحسب رتبه صدک (World Bank, 2016)

بدین سان یکی از پیش شرط‌های کلیدی انتقال سیاسی، قانون اساسی موفق است. تصویب قانون اساسی تونس، هرچند در نتیجه نیروهای انقلابی بوده است. در تونس الگوی قانون اساسی جدید رویکردی مدرن حمایت از حقوق بشر و چارچوب نهادی و متعادل بین سه قوه را فراهم می‌کند. ترویج و گسترش پلورالیسم سیاسی و چرخش مسالمت‌آمیز قدرت، از اهداف عمده قانون اساسی بوده که در تونس امکان واقعی یافته است (Fedtke, 2014, p. 58). بسیاری از اصلاحات و همچنین تأسیس انجمن‌های جدید نظارت‌کننده در زمینه حقوق بشر و شفافیت حاکمیت قانون، به اجرا درآمده است. اگرچه بر پایه گزارشات سازمان‌های عفو عمومی و سایر سازمان‌های حقوق بشر نقض حقوق بشر و شکنجه و زندانی در بازداشتگاه‌های پلیس ادامه داشته، اما روی هم رفته در عمل وضعیت حقوق بشر تا حدودی نسبت به ۲۰۱۱ بهبود یافته است. در زمینه حقوق زنان، تونس در گذشته و هم‌اکنون نسبت به بسیاری از کشورهای حوزه منا وضعیت بهتری داشته است. احترام به حقوق زنان با از میان برداشتن محدودیت‌های کلیدی در مورد کنوانسیون سازمان ملل برای لغو تمامی اشکال تبعیض علیه زنان مجدداً مورد تأیید قرار گرفت. تونس رسماً به سازمان ملل در مورد برداشتن قید و شرط‌های در آوریل ۲۰۱۴ تضمین داده و نخستین کشوری است در منطقه که تمامی محدودیت‌های ویژه بر این پیمان را از میان برداشت. با این حال فعالان زن

خواستار گام‌های بیشتر و اجرای روشمند و کارآمد این اصول و حقوق برای نمونه در خصوص قانون ارت بوده‌اند که زنان از آن محروم بوده‌اند (Schafer, 2015, p. 34).

۶-۳- شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی

مقصود از این شاخص میزان مشارکت شهروندان در انتخاب دولت و نظام سیاسی است. این شاخص بیانگر مفاهیمی مانند حقوق سیاسی، میزان آزادی بیان، آزادی احزاب، تشکل‌ها و اجتماعات، میزان نمایندگی حاکمان از طبقه‌های اجتماعی و آزادی رسانه‌های جمعی است. از حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی با عنوان شاخص دموکراسی از آن یاد می‌کنند این شاخص از بازخواست کردن و مورد سؤال قرار دادن دولت توسط مردم در برابر آنچه بر آنان اثر می‌گذارد دفاع می‌کند (Naderi, 2011, p. 75). بانک جهانی با بررسی پارامترهای شاخص اظهارنظر و پاسخ‌گویی در کشور تونس طی چند سال گذشته که جمع‌بندی آن را در گزارش سالانه خود در سال ۲۰۱۴ انتشار داده است؛ که در قالب نمودار (۵) به صورت نمودار خطی بر حسب رتبه صدک نشان داده شده است:



نمودار (۵): شاخص اظهارنظر و پاسخ‌گویی در کشور تونس بر حسب رتبه صدک (World Bank, 2016)

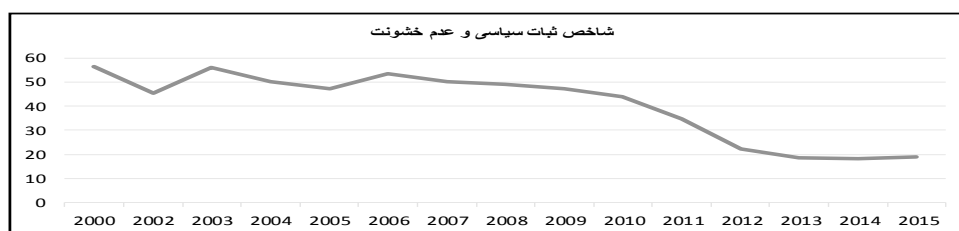
در تونس، شاخص اظهارنظر و پاسخ‌گویی سیر صعودی داشته و از رشد بسیار خوبی برخوردار بوده است و در زمینه‌های آزادی تشکل‌ها، آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها چشم‌انداز روشنی وجود دارد. علاوه بر این، فضای نسبتاً بازی برای پیگیری حقوق رسانه‌های خبری و جامعه مدنی پدید آمده است که در تضاد کامل با رژیم تحت حکومت بن علی است. جامعه مدنی و اتحادیه‌های کارگری در تونس از ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ با استقلالی کامل که قبل از آن تاریخ غیرقابل تصور بود، اداره می‌شود.

۶-۴- شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت

ثبات سیاسی از دید نظریه پردازان سامانه‌ای کالایی و محصول موفقیت دولت‌ها در توفیقات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و در صورتی که داده‌های سیستم به خوبی دریافت گردد و به نهادهای خروجی

نظام تبدیل گردد، می‌توان گفت که نظام از کارکرد مطلوبی برخوردار بوده است. ثبات سیاسی زمانی حاصل می‌شود که در کارکرد سیاسی مسئله مشروعیت و مشارکت حل و فصل شده باشد، در کارکرد اقتصادی مسئله توزیع و تخصیص منابع، کالاها و ارزش‌ها در کل جامعه تخصیص پیدا نموده باشد و در کارکرد اجتماعی هم مسئله هویت فردی و اجتماعی به‌عنوان امری همگون و هم‌پارچه نگریسته شود (Karami, 2012, p.121). این شاخص نشان‌دهنده عدم خشونت و وجود آرامش در یک جامعه است. بر پایه این شاخص، هر چقدر میزان فقدان ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف است و به هر میزان، کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری را کسب می‌کند.

بانک جهانی در اندازه‌گیری شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت معیارهایی مانند آشوب‌های شهری، کودتا، ترورها و اعدام‌های سیاسی، تنش‌های قومی، قطبی‌شدن طیف‌های سیاسی، نزاع‌های اجتماعی و اعتصاب‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و طی بررسی‌هایی که این بانک از کشور مصر و تونس جهت حکمرانی خوب به عمل آورده است، وضعیت شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت در کشور تونس به شرح ذیل بوده که در نمودارهای (۶-۴) به صورت نمودار خطی برحسب رتبه صدک نشان داده شده است.



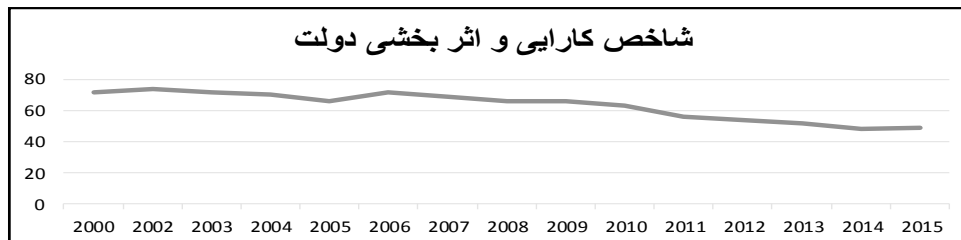
نمودار (۶): شاخص ثبات سیاسی در کشور تونس برحسب رتبه صدک
(World Bank, 2016)

نمودار فوق نشان می‌دهد که شاخص ثبات سیاسی در کشور تونس پس‌انقلابی نه تنها رشد ننموده، بلکه چندین پله سقوط نموده که بیانگر این است که دولت مردان این کشور باید تلاش بیشتری جهت انجام اصلاحات سیاسی و تثبیت رویه‌های دموکراتیک داشته باشند. البته بر پایه برخی نظرسنجی‌ها، به‌رغم حملات تروریستی از سوی داعش، اکثر تونسی‌ها (۷۱ درصد) احساس می‌کنند امنیت خانواده آنها فراهم شده است. این میزان ۱۹ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۳ م (۵۲ درصد) بود. شاید این مسئله بدین خاطر

بوده که بسیاری از این حملات، بیشتر از آنکه متوجه شهروندان تونس باشد، به سمت توریست‌های نشانه رفته بود (Robbins, 2016, p.5).

۵-۶- شاخص کارایی و اثربخشی دولت

این مؤلفه، کارایی و اثربخشی دولت از پنج شاخص «کیفیت ارائه خدمات عمومی، کیفیت بوروکراسی، کفایت کارکنان خدمات کشوری، استقلال خدمات کشوری از فشارهای سیاسی و اعتبار تعهد حکومت‌ها در قبال سیاست‌های خود» تشکیل شده است. کارایی و اثربخشی دولت مستلزم وجود دستگاه اداری کارآمد و بهینه در کشور است. چنین دستگاهی پاسخگویی نیازهای آحاد ملت، مروج عدالت اجتماعی، متضمن دستیابی همگان به خدمات باکیفیت (مانند آموزش و بهداشت) و سرمایه‌های تولیدی و ایجاد محیطی مطمئن برای توسعه مردم محور و پایدار خواهد بود. در دیدگاه مطلوب دولتی کارآمد و شفاف است که با نهادسازی مناسب، توسعه را به سمت جلو هدایت می‌کند، حقوق مالکیت را پاس داشته، مانع فعالیت رانت‌خواران سودجو خواهد بود و با تنظیم قوانین و مقررات مناسب هزینه مبادلات افراد را کاهش می‌دهد (Kaufmann & Mastruzzi, 2007, p. 48). با بررسی‌های که بانک جهانی از مؤلفه‌ها و متغیرهای «کیفیت ارائه خدمات عمومی، کیفیت بوروکراسی، کفایت کارکنان خدمات کشوری، استقلال خدمات کشوری از فشارهای سیاسی و اعتبار تعهد حکومت‌ها در قبال سیاست‌های خود» جهت شاخص کارایی و اثربخشی دولت در کشور تونس برای میزان تحقق حکمرانی خوب انجام داده است وضعیت این شاخص به شرح ذیل بوده که در نمودارهای (۵-۶) به صورت خطی بر حسب رتبه صدک نشان داده شده است:



نمودار (۵-۶): شاخص کارایی و اثر بخشی دولت در کشور تونس بر حسب رتبه صدک (World Bank, 2016)

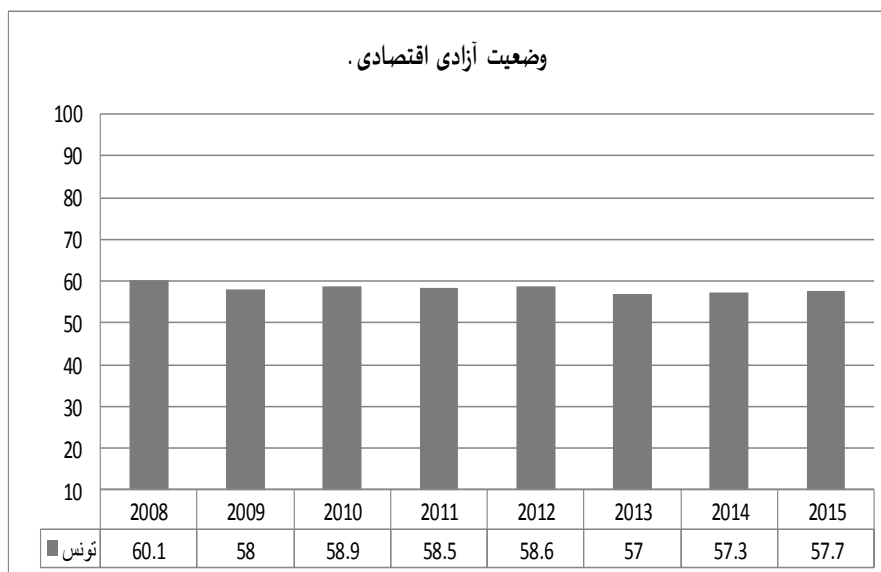
در نمودارهای فوق شاخص کارایی و اثربخشی دولت توسط بانک جهانی در کشور تونس قبل و بعد از خیزش‌های مردمی به تصویر کشیده شده است که گویای این واقعیت بوده که عملکرد و کارایی دولت در تونس پس‌انقلابی نه تنها رشد نموده بلکه چندین پله سقوط نموده است. البته، این وضعیت، پیامد طبیعی

وقوع انقلاب در هر کشوری است و تا استقرار و تثبیت نهادهای مردمی و قانونی جایگزین، مراتبی از کاهش و ضعف عملکرد حکومت به چشم می‌خورد. در همین رابطه نتایج چهارمین موج بارومتر عربی در تونس نشان می‌دهد که ۸۶٪ مردم معتقدند دموکراسی به‌رغم مشکلاتش بهترین و کارآمدترین سیستم حکمرانی است. پنج سال پس از انقلاب تقریباً بیش از نیمی از مردم معتقدند که حکومت فعلی از مشکلات بی‌شماری رنج می‌برد و از نظام سیاسی کامل هنوز فاصله زیادی دارد. باین‌حال تونسی‌ها همچنان حامی فرایند گذار به دموکراسی هستند (Robbins, 2016, p.8). جدول ذیل نشان‌دهنده شاخص‌های آزادی اقتصادی در کشور تونس در سال ۲۰۱۵ بوده است و در نمودار (۸) سعی شده است وضعیت آزادی اقتصادی در کشور تونس قبل و بعد از انقلاب‌های عربی ترسیم گردد:

شاخص‌های آزادی اقتصادی در کشور تونس

کشور	تونس
آزادی سرمایه‌گذاری	۳۵
آزادی تجارت	۶۱,۲
آزادی پولی	۷۴
آزادی کار	۶۹,۱
آزادی کسب و کار	۸۱,۲
هزینه‌های دولت	۷۰,۸
آزادی مالی	۷۴,۳
آزادی از فساد	۴۱
حقوق مالکیت	۴۰
تغییر از سال ۲۰۱۴	۰,۴
نمره کلی	۵۷,۷
رتبه منطقه‌ای	۱۱
رتبه جهانی	۱۰۷

(James & Ryan, 2015, p.47)



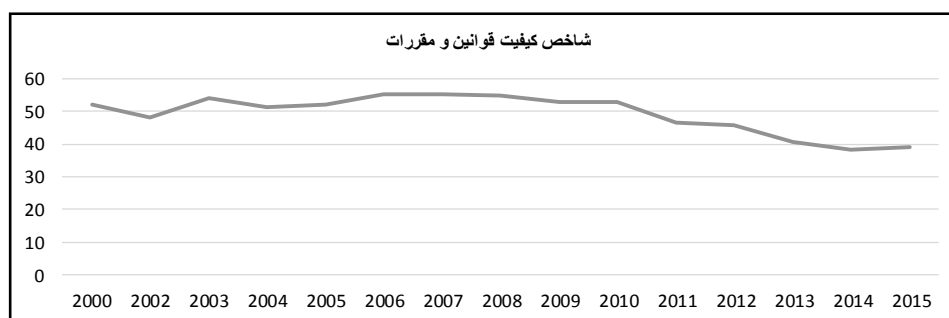
نمودار (۸): وضعیت آزادی اقتصادی در کشور تونس
(James & Ryan, 2015, p. 468)

۶-۶- شاخص کیفیت قوانین و مقررات

منظور از این شاخص، توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات و نظاماتی است که سبب گسترش نفوذ و دامنه فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود. هرچقدر دولت بتواند با تدوین و اجرای سیاست‌ها و نظامات مختلف، موجبات توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و اثرگذاری بیشتر آن بر اداره جامعه را فراهم آورد، شاهد سطح بالاتری از حکمرانی خوب خواهد بود. کیفیت قوانین و مقررات مواردی چون نکات زیر را دربرمی‌گیرد: تنظیم عوامل اختلال‌زا در بازار مانند بی‌ثباتی قیمت‌ها، محدودیت‌های زائد در بازار سهام، ایجاد موانع غیراصولی و دست‌وپاگیر در صادرات و واردات، محدودیت‌های تأسیس بنگاه اقتصادی جدید و مقررات دست‌وپاگیر برای تبدیل ارز در ارتباط است و موارد مشابه که هر یک به‌عنوان مانعی برای توسعه اقتصادی مطرح هستند. قانون یکی از ابزارهای اصلی مداخله دولت در اقتصاد است. از دید نهادگرایان دولت و بازار مکمل یکدیگر بوده و دولت به‌عنوان نهاد فراگیر و با ابزار حقوق و از طریق وضع قوانین می‌تواند نهادهای جدیدی تعریف، تأسیس و مستقر کند. همچنین دولت با تصویب قوانین مناسب می‌تواند نقش قابل‌توجهی در بسترسازی لازم برای کارکرد مناسب سایر نهادها و نیز کارکرد بازار در اقتصاد داشته باشد (Renani, 2004, p.13).

قانون‌گذاری زمانی به حد بهینه خود می‌رسد که خالص منافع حاصل از آن به حداکثر خود برسد. از جنبه نظری می‌توان نشان داد که برای یک موضوع مشخص، قانون‌گذاری تا حد معینی منافع دارد و فراتر از آن حد، منافع رو به کاهش می‌گذارد. قانون‌گذاری دولت هنگامی فرایند اصلاح نهادی قلمداد می‌شود که دارای سه ویژگی زیر باشد:

۱. قانون جدید منجر به شفاف‌تر شدن ساختارهای موجود یا سازوکارهای جاری شود.
 ۲. قانون جدید به تضعیف یا حذف امتیازات، انحصارات و رانت‌ها یا به تضعیف و حذف رویه‌ها و سازوکارهایی که منشأ ایجاد نابرابری فرصت‌هاست، بینجامد.
 ۳. قانون جدید در راستای شفاف‌سازی حقوق مالکیت، ارتقای سازمان‌دهی نظام حقوقی و آموزش و ارتقای سرمایه انسانی دستگاه‌های مرتبط با حقوق مالکیت باشد (Renani, 2004, p.26).
- برحسب گزارش سالانه بانک جهانی در سال ۲۰۱۴ م از کشور تونس شاخص کیفیت قوانین و مقررات در طی ۱۰ سال گذشته قبل و بعد از انقلاب مردمی در تونس در نوسان بوده که بعد از اعتراضات مردمی این شاخص سیر نزولی داشته است. در نمودار (۹) شاخص کیفیت قوانین و مقررات نشان داده شده است:



نمودار (۹): شاخص کیفیت قوانین و مقررات در کشور تونس برحسب رتبه صدک (World Bank, 2016)

نتیجه‌گیری

در پژوهش پیش‌رو، تلاش گردید با استفاده از مدل تحلیلی منتج از مفاهیم نظری گذار دموکراتیک و حکمرانی خوب، به این پرسش کلیدی پاسخ داده شود که نوع و شیوه گذار سیاسی چه تأثیری بر امکان شکل‌گیری و پایداری حکمرانی خوب در کشور تونس داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان داد که با وجود تفاوت‌های عمده و رقابت‌های شدید در سیاست تونس، فرایند گذار سیاسی این کشور بر پایه مؤلفه‌هایی مانند وضعیت جامعه مدنی، نگرش نیروهای مسلح به فرایند گذار، شیوه و آشکال گذار،

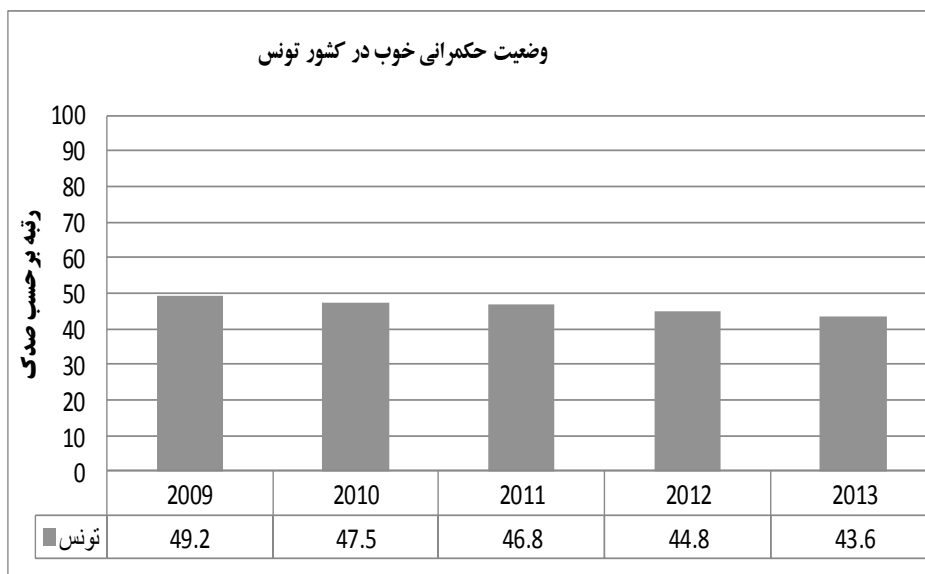
وضعیت طبقه متوسط و گستره و ژرفای دموکراسی، امتیاز خوبی را دریافت می‌کند. نیروهای سیاسی اجتماعی مشارکت‌کننده در انقلاب تونس در ابتدا نوعی گذار ضد شخصی علیه بن‌علی را تجربه کردند و در ادامه با توجه به میزان بالای انسجام و همگرایی میان خود (از جمله رویکرد هم‌پذیری سیاسی راشد الغنوشی و النهضه در فرایند مذاکرات گذار)، این فرایند را به شکل توافقی (گذار توافقی) به پیش بردند. به عبارت بهتر، در کشور تونس رهبران سیاسی تعهد بالایی به فرآیند دموکراتیک از خود نشان داده‌اند و کمیسیون عالی اصلاحات سیاسی هم به دنبال فرایند نهادسازی جامع و پذیرش نظامی از نمایندگی سهمیه‌ای بوده است. نظامیان و ارتش در تونس نهادی کوچک و حرفه‌ای هستند و در سیاست‌های کلان دخالت نمی‌کنند. عامل مهم دیگر این است که جناح‌های سکولار و اسلام‌گرا تعهد یکسانی به فرایند گذار و انتقال دموکراتیک قدرت دارند و همچنین تونس از طبقه متوسط پویا و بادوامی برخوردار است. این نوع گذار، مسیر را برای تحقق حکمرانی خوب در این کشور هموار می‌سازد، با این حال، تحقق حکمرانی خوب در یک کشور چنان‌که در بالا اشاره شد نیازمند پروسه بلندمدت و حداقل ده‌ساله است. ارزیابی آماری بانک جهانی از وضعیت حکمرانی خوب در کشور تونس نیز نشان‌دهنده میزان روبه‌رشد بسیاری از شاخص‌های حکمرانی خوب است. جدول (۴) بررسی‌های بانک جهانی قبل و بعد انقلاب‌های عربی از وضعیت حکمرانی خوب در کشور تونس را در شش شاخص؛ بُعد سیاسی (حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی دموکراتیک، ثبات سیاسی و عدم خشونت)، بُعد اقتصادی (کارایی و اثربخشی دولت و کیفیت نظارتی) و بُعد نهادی (حاکمیت قانون و کنترل فساد)، نشان می‌دهد.

در بُعد سیاسی، شاخص اظهار نظر و پاسخ‌گویی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است که نشان‌دهنده تقویت ارزش‌های حکومت دموکراتیک در این کشور بوده است. در بُعد نهادی شاخص‌های حکمرانی خوب در ابتدا کاهش داشته است که نشان از تحولات انقلابی این کشور بوده ولی با گذر زمان شاخص کنترل فساد روند رو به رشد خود را پیدا نموده است. در بُعد اقتصادی با توجه به درگیر بودن این کشور در مسائل گذار، روند کاهشی محسوسی را می‌توان مشاهده نمود. روی هم رفته می‌توان گفت با توجه به شرایط کلی خاورمیانه، شیوه‌های حکمرانی خوب و نه الزاماً دموکراسی، تمرکز اصلی شکل‌گیری حکومت و جامعه مدنی است. انقلاب‌های اخیر که در سراسر منطقه را فراگرفت بیشتر معطوف به کرامت و حقوق بشر و بهبود وضعیت اقتصادی و کمتر خواهان دموکراسی بودند؛ بنابراین، دولت‌های جدید انقلابی باید بر نقش جامعه مدنی تمرکز کنند که می‌تواند در توسعه الگوهای حکمرانی خوب نقش داشته باشد، حکمرانی خوب نیز به نوبه خود می‌تواند ثبات بیشتر را تأمین و به پیشبرد فرایند دموکراسی کمک نماید.

جدول (۴): وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب کشور تونس در یک نگاه

سال	شاخص									
	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	
بُعد سیاسی	۲۰/۷	۱۲/۵	۹/۶	۱۱/۱	۱۰	۱۰	۳۶/۷	۴۲/۲	۴۴/۵	اظهاری نظر و پاسخ‌گویی
	۴۷/۶	۵۳/۸	۵۰/۵	۴۹/۳	۴۷/۴	۴۴/۳	۳۴/۴	۲۲/۳	۱۹	ثبات سیاسی
بُعد نهادی	۵۸	۵۷/۹	۵۷/۹	۵۷/۷	۶۰/۷	۵۹/۷	۵۱/۶	۵۰/۷	۴۸/۸	حاکمیت قانون
	۵۴/۶	۵۶/۶	۵۵/۸	۵۳/۴	۵۸/۵	۵۴/۸	۵۵/۹	۵۳/۵	۵۴/۱	کنترل فساد
بُعد اقتصادی	۶۵/۹	۷۱/۷	۶۸/۴	۶۶	۶۵/۵	۶۳/۲	۵۵/۹	۵۵/۵	۵۵	کارایی و اثر بخشی
	۵۲	۵۵/۴	۵۵/۳	۵۴/۹	۵۳/۱	۵۳/۱	۴۶/۴	۴۵	۴۰/۲	کیفیت قوانین و مقررات
حکمرانی خوب										
	۴۹/۸	۵۱/۳	۴۹/۵	۴۸/۷	۴۹/۲	۴۷/۵	۴۶/۸	۴۴/۸	۴۳/۶	

(World Bank, 2014)



نمودار (۱۰): وضعیت حکمرانی خوب در کشور تونس

References

- Ahmadian, H. (2010). Tunisian recent developments, *Strategic Studies Quarterly of Islamic World*, 11(4). (in Persian).
- Alcinda, H. (2013). *Youth and revolution in Tunisia*. Zed Books.
- Aldakhil, K. (2014). Why Egypt failed, but Tunisia succeeded, Al-Hayat newspaper, Translation from Shafaqna cite, access Date 2014/2/10, Available on <http://www.shafaqna.com/persian> (in Persian).
- Arieff, A., & Humud, C. E. (2015). Political transition in Tunisia Washington, DC: Congressional Research Service, <https://www.fas.org/sgp/crs/row/RS21666>. Pdf. African Development Bank, AfDB. (2012). p.30.
- Arts, P.; van Dijke, P.; Kolman, I.; Statema, J., & Dahhan, Gh. (2014). *from resilience to revolt*, translated by eltiaminia. Reza & samiee esfahani.alireza, Tehran: Tisa pub. (in Persian).
- Baabood, A. (2014). Gulf countries and Arab transitions: role, support and effects, available in: <https://www.google.com/#q=Gulf+Countries+and+Arab+Transitions:+Role%2>
- Badwan, A. (2011). Libya al-ams wa mabad al-Qadafi [Libya yesterday and post Gaddafi] at: <http://www.aljazeera.net>.
- Bajzikova, K. (2012). Civil Society Needs Assessment in Tunisia, Final Report, PDCS.
- Barden, H. (2011 November). Arab Society Power Transactions Locally and Multilaterally, Forum for Democratic Global Governance, Stockholm.
- Barzegar, K. (2002). Tunisia under Ben Ali, struggling for Transition of tradition to modernity, *Middle East Quarterly* (1) (in Persian).
- Bashir, H. et al., (2012). Egyptian Islamic Awakening and the world media discourse: Discursive Analysis of foreign countries Publications, *Quarterly of Islamic Awakening Studies* (1) (in Persian).
- Bashiriyeh, H. (2005). *Transition to democracy*. Teharan: Negahe Moasser Publication (in Persian).
- Bellin, K. (2012). Reconsidering the robustness of authoritarianism in the Middle East: Lessons from the Arab Spring. *Comparative Politics*, 44(2). PP. 127-149.
- Blaydes, L. (2011). *Elections and distributive politics in Mubarak Egypt*, Cambridge University Press.
- Brooker, P. (2004). *Non- democratic regims*, Translated By samiee esfahani, Alireza, Tehran: Kavir publication (in Persian).

- Bruwell, F. g.; Hawthorn, A.; Merzran, K., & Elissa, Miller. (2016). A transatlantic strategy for a democratic Tunisia
https://www.google.com/#q=A+TRANSATLANTIC+STRATEGY+FOR+A+DEMOCRATIC+TUNISIAI&*
- Christopher, A. (2010). *Tunisia: stability and reform in the modern Maghreb*, Routledge pub.
- Congressional Budget Justification. (2016). foreign operations, Appendix 3, US Department of State, <http://www.state.gov/documents/organization/252734.pdf>
- Esposito, J. L.; Sann, T.; & Voll, J. O. (2017). *Islam and democracy after Arab spring (State and contemporary Islamic movements)*, Translated by Samiee Esfahani, Alireza. Negah-e Moaser Pub. (in Persian).
- Fedtke, J. (2014). Comparative analysis between the constitutional processes in Egypt and Tunisia, Lessons Learnt- Overview of the Constitutional Situation in Libya.
- Fouad, M. A. (2011). Good democratic governance in the mediterranean
<https://www.google.com/search?q=Good+%E2%80%9CDemocratic%E2%80%9D+Governance+in+theMediterranean+Fouad+M.+Ammor&ie=utf-8&oe=utf-8&client=firefox-b-ab>.
- Ghazvini Haeri, Y. (2011). *Tesonami in Arab world*. Tehran: Amir Kabir Publication (in Persian).
- Goldston, J. (2011). Understanding the Revoltions of 2011, *Foregin Affairs*.
- Hantington, s. (1993). *Political order in changing society*, Translated by Mohsen salasi, Tehran: Elm Publication (in Persian).
- Hantington, s. (1994). *Third wave in the end of twentieth century*, Translated by Ahmad shahsa, Tehran: Rozaneh Publication. (in Persian).
- Jahangir, K., & Esmaeeli, m. (2013). *The impact of Islamic revolution on Islamic Aeakening of North Africa; case study of Tunisia, Egypt & Libia, politics Quarterly (1)* (in Persian).
- James, M., & Ryan, O. (2015). 2015 Index of Economic Freedom Promoting Economic Opportunity and Prosperity. *The wall street journal*
- Karami, K. (2012). Reflection on the possibilities and prohibitions of Saudi government in With adjustment Good Governance, The International Center for Peace Studies, access Date 2015/4/15, Available on <http://www.peace-ipsc.org> (in Persian).
- Katouzian, N. (1987). *Philosophy of law*, Tehran: Behnashr Publication, (in Persian).

- Kaufmann, D., & Mastruzzi, A. (2007). *Governance matters: aggregate and individual governance indicators 1996-2006*, Washington: World Bank.
- Kaufmann, D., & Kraay, A. (2005). *Measuring governance using cross-country perceptions data*. <http://www.worldbank.org/wbi/governance/govdata/>
- Kaufmann, D. (2011). *Governance and the Arab World Transition: Reflections, Empirics and Implications for the International Community*. http://www.brookings.edu/~media/Files/rc/reports/2011/09_globaldevelopment/2011blum_governance_arab_world_kaufmann.pdf.
- Kia, A. A., & Mahmoudi, A. (2011). *The role of social Networks in Tunisian Revolution*, 283, (in Persian).
- Komejani, A., & Salatin, P. (2010). *The Impact of Good Governance on Economic Growth in Selected Countries Group*, *Quarterly Journal of Economical Modeling* 2(2), (in Persian).
- Lisa, A. (2011). *Demystifying the Arab Spring: Parsing the differences between Tunisia, Egypt and Libya*, *Foreign Affairs*, 90, No3.
- Morfi, E. (2004). *Economic reforms and Tunisian government*, Translated by Hatamzade. Abbas, Tehran: Kavir Publication (in Persian).
- Naderi, M. M. (2011). *Good governance, introduction and critic*, *Quarterly of Islam and Administrative Researches*. 1, (in Persian).
- O'Donnell, G.; Schmitter, P. C. (1986). *Transition from authoritarian rule: Tentative conclusions about uncertain democracies*, Baltimore: John Hapkins University Press.
- O'Donnell, G.; Schmitter, P. C., & Whitehead. (eds.) (1986). *Transition from authoritarian rule: Prospects for democracy*, Baltimore: John Hapkins University Press.
- Renani, M. (2004). *The role of government in institutional reforms through law*, *The Journal of Majlis Reserches Center* (39), (in Persian).
- Syed, M. (2012). *Prospects of Arab Spring in Pakistan*, *IPRI Journal XII, 2. Summer*, pp. 153-159
- The Economist Intelligence Unit. (2015). *Democracy index 2014 democracy and its discontents A report from The Economist Intelligence Unit*. <http://www.eiu.com>.
- Transparency International. (2014). *Corruption perceptions index 2014: Results*, <http://www.transparency.org/cpi2014/results>.
- World Bank. (2006). *Governance and anticorruption*, <http://www.worldbank.org>
- World Bank. (2016). *Country Data Report for Tunisia, 1996-2015*". <http://www.worldbank.org>.

Zarei, M. H. (2004). Good governance, sovereignty and government in Iran. *The Journal of Law Researches*, (in Persian).